



گاهنامه علمی، فرهنگی، پژوهشی، بشری
سال دوم، شماره ۴، بهمن ماه ۹۵



چرا امتحان به وسیله ثبت حضرت مهدی (عج) یکی از شدیدترین امتحانات است؟

اَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ

الهی صبر و احساس

حفاظت از معجزه الهی روح الله

فرمودات گلنگور ادا دارد؟

روح الله

امام آمد
پس ماجرا چیست؟



مونس و یار مجتبی آمد
حامی شاه کر بلا آمد





فهرست مطالب

- ۲..... سخن سر دبیر
- ۳..... مناجات توسل جویان 
- چرا امتحان به وسیله غیبت حضرت مهدی (عج) یکی از
شدیدترین امتحانات است؟..... ۴ 
- ۷..... اَلَمْ تَجْعَلْ لَهُ عِثَّةً وَلِئْسَ اَوْ شَفِيعَةً (اعجاز بیان)
- ۹..... سه قفلی که «شیخ نخودکی» با یک کلید باز کرد..... 
- ۱۱..... یوم الله 
- ۱۴..... نکات کاربردی تبلیغ
- ۱۶..... گفتگوی ویژه 
- ۱۹..... فجر انقلاب
- ۲۰..... الهه صبر و احساس 
- ۲۲..... علم و دانش در نهج البلاغه 
- ۲۴..... رنگ درمانی در کلام ائمه (ع).....
- ۲۵..... باورها و نباهای زمستان..... 
- ۲۷..... حفاظت از معجزه الهی روح الله..... 
- ۳۰..... ترموستات گفتگو را دارید؟..... 
- ۳۲..... اسرار نویسندگی.....
- ۳۳..... معرفی کتاب..... 
- ۳۴..... روز شمار..... 
- ۳۵..... اخبار فرهنگی.....
- ۳۸..... اخبار پژوهشی.....
- ۴۰..... اخبار آموزشی.....



صاحب امتیاز: مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س)

مدیر مسئول: زهرا معصومی

سر دبیر: انسیه دهقان

مدیر هنری: سمیه معصومی

طراحی و صفحه آرایی: انسیه دهقان

هیأت تحریریه: خواهران معصومی، دهقان، قربانی،

تاجورن، قربانی، کمال مرهبر، صادقی، لژدري،

دهقانی، هادیزاده، کهکمی

آدرس: فارس، داراب، بلوار جمهوری

مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س)

تلفن: ۰۷۱۵۳۵۶۴۴۶۱

پست الکترونیکی: nashr.boshra@gmail.com

نشریه بشری از آثار شما استقبال می کند.



سخن سر دبیر

بهترین

مشق نوشتن نام دوست است، دوستی که از ازل تا به ابد جریان دارد، دوستی که نامش و یادش به ما طراوت و تازگی می بخشد و او کسی نیست جز خداوند مهربان. اگر حضور او را، اگر عطر پاک او را در همه جای زندگی مان و در لحظه لحظه آن احساس کنیم، هرگز به بیراهه نخواهیم رفت و قدم از دایره نیکویی و درستی بیرون نخواهیم گذاشت

بر خیز که فجر انقلاب است امروز
بیگانه صفت؛ خانه خراب است امروز
هر توطئه و نقشه که دشمن بکشد
از لطف خدا نقش بر آب است امروز
فجر است و سپیده حلقه بر در زده است
روز آمده تاج لاله بر سر زده است
با آمدن امام در کشور ما
خورشید حقیقت از افق سر زده است
والفجر که سوگند خدای ازلی است
روشنگر حق است که با آل علی است

با سلام و درود

به خوانندگان نشریه بشری، از اینکه یک بار دیگر با شما عزیزان، همراه شده ایم، خداوند را شاکریم، امیدوار هستیم بتوانیم رضایت خاطر شما را، نسبت به نشریه، از جمله محتوا و ظاهر بشری فراهم کرده باشیم. نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما دوستان عزیز ما را در این راه یاری خواهد کرد.

مناجات

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است
خدایا! به پیشگاهت وسیله‌ای جز عواطف مهرت ندارم
و به درگاهت دست آویزی جز آنچه از رحمتت شناخته شده
و جز شفاعت پیامبرت، پیامبر رحمت، رهایی بخش امت از رنج و ناراحتی ندارم
خدایا! این دو وسیله را برای من سبب رسیدن به آمرزش قرار ده
و آن دو را رابطه‌ای برای دست پایی به خشنودیت بگردان
همانا امیدم به حریم کرم‌ت فرود آمده، و مرکب طمعم به آستانه جودت یار انداخته است.
پس درباره خودت آرزویم را محقق ساز،
و کارم را به خیر پایان ده،
و مرا از آن برگزیدگانی قرار ده که در میان بهشت قرارشان دادی،
و خانه کرامت را در اختیارشان گذاردی،
و دیده آنان را در روز قیامت با نگاه به سوی جمال خویش روشن نمودی،
و جایگاه راستی را در جوارت به آنان واگذار نمودی،
ای آنکه واردین بر کریم تر از او وارد نشوند، و قصدکنندگان مهربان تر از او را نیابند،
ای بهترین کسی که شخص تنها با او خلوت کند،
و ای مهربان ترین کسی که انسان رانده به جانب او روی آورده
به سوی گستردگی عفو دست‌گذاری دراز کردم،
و به دامن کرم‌ت چنگ آویختم،
مرا سزاوار حرمان مکن،
و به ناامیدی و زیان دچار مساز،
ای شنوای دعا، ای مهربان ترین مهربانان

مناجات توسل جویان



چرا امتحان به وسیده غیبت حضرت مهدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انسبه دهقان

یکی از حکمت‌ها و اسرار غیبت و پنهان زیستی امام مهدی (عج)، امتحان و آزمایش انسان‌ها به ویژه شیعیان است. آنان در این ابتدا و آزمون، باید پای بندی و باور عمیق خود به مهدویت و میزان اخلاص و علاقه خود را نشان دهند. غیبت امام مهدی (عج)، شباهت‌هایی با غیبت سایر پیامبران دارد؛ به ویژه این که آنها نیز دارای غیبت کوتاه مدت یا طولانی مدت بودند. خداوند همان طور که با غیبت پیامبران، امت آنان را آزمایش نمود، می خواهد امت اسلامی را نیز بیازماید و شاید این برابری طول غیبت خاتم الاوصیاء با غیبت مجموع پیامبران، برای این باشد که می خواهد این امت را با آزمایش‌هایی سخت تر از آزمون آنها، بیازماید. از روایات مختلف، به دست می آید که مؤمنان در دوره غیبت، گرفتار آزمایش‌های بزرگی خواهند شد؛ چنان که امت‌های قبلی نیز دچار آزمون‌ها و ابتلاهای مختلفی بودند. در قرآن آمده است: «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ»^۱ آیا مردم گمان می کنند همین که به زبان بگویند ایمان آوردیم، دست از سر آنها بر می داریم و آزمایش نمی شوند؟ مردمی را که قبل از ایشان بودند نیز آزمودیم و خداوند می داند که چه کسانی راستگو و چه کسانی دروغگویند و در امتحان، درست یا نادرست از آب در آیند». از آن جایی که غیبت طولانی می شود، عده‌ای از مردم، دچار تردید، حیرت و... می شوند و از باور به ظهور منجی موعود، برمی گردند. این آسیب‌ها و عوامل مشکل را در عصر غیبت، عبارتند از:

۱. حیرت و سرگردانی

امام عسکری (ع) فرمود: «بدانید که فرزندان غیبتی خواهد

داشت که نادانان در آن، دچار سرگردانی می شوند و آنها که برای ظهورش از پیش خود وقت تعیین می کنند، به دروغ گویی می افتند»^۲. ابن عباس نیز گفته است: «مهدی موعود پس از یک غیبت طولانی و حیرت‌ظلمانی، ظاهر می شود»^۳.

۲. گمراهی و ضلالت

در این دوران، عده‌ای از مردم از مسیر حق برگشته، دچار انحراف و گمراهی می شوند و از هدایت‌های الهی باز می مانند، پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «برای او، غیبت و برای امت، حیرتی خواهد بود که خیلی‌ها در آن دوران گمراه خواهند شد»^۴. سدید می گوید: امام صادق (ع) فرمود: «سوای بر شما در کتاب جعفر نظر انداختیم... و در ولادت قائم ما و غیبت او و طولانی شدن آن و مدت عمر وی، تأمل کردم و دیدم که مردم با ایمان، گرفتار بلاها و مصیبت‌ها هستند و به جهت طولانی شدن دوران غیبت در دل‌هایشان شک و تردید راه می یابد و بیشتر آنها از دینشان بر می گردند»^۵.

۳. برگشت از اعتقاد به مهدویت

امام رضا (ع) از پدران بزرگوارش و او از امام علی (ع) چنین نقل می کند: «در دوران غیبت، جز دینداران ناب که یقین در جانشان رسوخ کرده و خداوند از آنان بر ولایت ما پیمان گرفته و ایمان در جانشان ثابت شده و به دم الهی یاری شان نموده است کسی بر اعتقاد خود، استوار نخواهد ماند»^۶.

۴. قساوت و تیره شدن دل‌ها

به جهت طولانی شدن غیبتش، دل‌ها سخت و تیره می شوند و جز آنها که خداوند، ایمان به او را در قلوبشان نشانده و به دم الهی یاری شان کرده است، کسی دیگر بر اعتقاد او باقی نماند»^۷.



عج (یکی از شدیدترین امتحانات است؟

۸. دشواری حفظ ایمان

شدت ها و پیشامدهای ناگوار و تحولاتی که روی می دهد، مردم را زیر و رو کرده، حفظ ایمان و استقامت در این راه را دشوار می سازد و ایمان افراد در خطرهای سخت واقع می شود! امام باقر (ع) فرموده است: «امام زمان (ع) بعد از غیبت و حیرت ظاهر می شود. در این دوران، تنها کسانی بر دین خود ثابت می مانند که در ایمان خود مخلص و با روح یقین همراه باشند و آنان کسانی اند که خداوند از آنها درباره ولایت ما پیمان گرفته، در دل آنها ایمان را مستقر ساخته و آنها را با روحی از خود تأیید کرده است» ۱۲.

۹. کمبودها و نارسایی های زندگی

یکی از امتحانات مردم در عصر غیبت و ابتلاات شدید آنان، گرانی، کساد، مرگ و میر، جنگ ها، کمی محصولات کشاورزی، حاکم شدن پادشاهان ستمگر بر آنان و... است. امام صادق (ع) خطاب به محمد بن مسلم فرمود: «پیش از قیام قائم (عج)، نشانه هایی است که خداوند آنها را ظاهر خواهد ساخت». محمد بن مسلم پرسید: آنها چیستند؟ فرمود: خداوند آنها را چنین بیان فرموده است: «وَلَتَبْلُوكُمْ بِشْيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛ قطعاً همه شما را با خبری از ترس، گرسنگی و کاهش اموال و جان ها و میوه ها آزمایش می کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان».

۱۰. اختلاف و تبری از همدیگر

یکی از آسیب های فراروی جوامع اسلامی در این دوران، وجود اختلافات و کشمکش ها و پراکندگی و دوری مردم از همدیگر است.

۵. عدم تحمل و بردباری

امام صادق (ع) فرموده است: «شتاب مردم برای این کار، آنان را هلاک می سازد. خداوند برای شتاب مردم، شتاب نمی کند؛ بلکه برای این امر، مدتی هست که باید پایان پذیرد. اگر مدت آن سرآید نه ساعتی جلو می افتد و نه ساعتی تأخیر می شود» ۸.

۶. شک در حیات و زنده بودن مهدی موعود

امام صادق (ع) فرموده است: «... به طور جدی مورد آزمایش قرار می گیرید؛ تا جایی که مردم می گویند: مهدی، مرده یا کشته شده اگر زنده است، پس کجاست و چه می کند؟ چشمان مؤمنان بر او می گریند و همچون کشتی طوفان زده، به اضطراب می افتند و به جز کسانی که خداوند از آنان پیمان گرفته و به دم الهی یاری شان کرده، کس دیگری رستگار نخواهد شد» ۹.

۷. انحراف و برگشت از دین

یکی از ابتلاات و آسیب های دوران غیبت، برگشت عده ای از آیین الهی و ضعف و سستی در دینداری و یگانه پرستی است. امام کاظم (ع) فرمود: «هنگامی که پنجمین فرزند امام هفتم، از دیده ها ناپدید شد، از خدا بترسید و به او پناه ببرید و در مورد دین و آیین خود، کسی شما را از دینتان منحرف نکند زیرا، برای صاحب این امر، غیبتی است؛ تا آنها که به او عقیده دارند، از اعتقاد خود باز گردند» ۱۰. محمد بن مسلم و ابویصیر روایت کرده اند که امام صادق (ع) فرمود: «این کار به سامان نمی رسد و ظهور محقق نمی شود مگر این که دو سوم مردم از دین برگردند. ما گفتیم: اگر دو سوم مردم از دین برگردند، دیگر چه کسی باقی خواهد ماند؟ امام (ع) فرمود: آیا دوست ندارید در بین یک سوم باقی مانده باشید» ۱۱.





امیرمؤمنان، علی (ع) فرموده است: «چه بر شما خواهد گذشت وقتی امام هدایت گر و نشانه حق را به چشم نبینید و وقتی گروهی از گروه دیگر بیزاری می جویند» ۱۶.

امام صادق (ع) نیز می فرماید: «چه بر شما خواهد گذشت وقتی امام هدایتگر را به چشم نبینید؛ گروهی از گروه دیگر بیزاری می جویند آن گاه سخت مورد آزمایش واقع می شوید و ناخالصان شما از راستان شما جدا خواهند شد. اول روز در اخبار و آثار، اختلاف و مشاجره خواهید داشت و آخر روز، کارتان به کشت و کشتار خواهد کشید» ۱۷.

۱۱. دروغ گوئی و تعیین وقت ظهور

امام صادق (ع) فرموده است: آنان که وقت تعیین کردند، دروغ گفتند ما اهل بیتی هستیم که وقت معین نمی کنیم» ۱۸.

۱۲. ضعف و سستی در حفظ عقاید حق

عصر غیبت، دوران هجوم شبهات، فزونی انحرافات و اندیشه های نادرست و باطل و دنیا گرایی ها و نادانی هاست و بدین جهت، با برجا ماندن بر عقاید درست و حق، دشوار است. امام صادق (ع) فرمود: «هنگامی که امر غیبت واقع شود، به آن چه در دست دارید عقاید حقه، چنگ بزنید؛ تا قضیه آشکار شود و فرمان خدا فرا رسد» ۱۹. «برای مردم روزگاری فرا می رسد که همگان دچار تب و لرز می شوند؛ علم و دانش در آن دوران، در هم پیچیده می شود؛ آن سان که مار در لانه خود به دور خویش می پیچید در آن هنگام ستاره آنها طلوع می کند» گفته شد: مراد از تب و لرز چیست؟ فرمود: «روزهای فترت که همگان دچار ضعف و سستی می شوند؛ در آن ایام بر عقاید خود استوار باشید؛ تا خداوند، ستاره شما را ظاهر سازد» با توجه به این آسیب ها و چالش ها، روشن می شود که در عصر غیبت، امتحان و آزمون انسان ها، بسیار دشوار است و آنان باید از این مراحل سخت و طاقت فرسا عبور کنند و میزان پای بندی، باورمندی، بردباری و استقامت خود را نشان دهند. به یقین در دورانی که احتمال سرگردانی، گمراهی، تردید و برگشت از اصل مهدویت، قساوت و دل مردگی، بی اعتمادی به آموزه های دینی، انحراف و فسادگری، هواپرستی، مشکلات و

کمیابهای زندگی، اختلافات و دشمنی ها،

دروغ گوئی و ناراستی، ضعف و سستی در دین داری و... بیشتر از هر عصری وجود دارد؛

باید متدینان و یکتاپرستان در اعتقاد خود به منجی موعود استوار و پابرجا باشند و از این آزمون سخت، سر بلند بیرون آیند و بر این اساس است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسانی که در دوره غیبت حضرت مهدی (عج) بر اعتقاد به او استوار هستند، از کبریت احمر نایاب ترند. جابر بن عبدالله انصاری بلند شد و گفت: ای رسول خدا! آیا فرزندان قائم غیبت خواهد کرد؟ فرمود: آری، به خدا قسم! «وَلَيَمُحِصَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» ۲۰؛ خداوند، مؤمنان را جدا می آرماید و کافران را از میان بر می دارد» ۲۱.

پی نوشت ها:

۱. عنکبوت، آیه ۲۲.
۲. حر علی، اثبات الهداء، ج ۳، ص ۲۸۲.
۳. يوم الخلاص، ج ۱، ص ۲۴۶.
۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲.
۵. اثبات الهداء، ج ۲، ص ۴۷۵.
۶. همان، ص ۴۶۴.
۷. همان، ص ۴۸۸.
۸. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۹.
۹. اثبات الهداء، ج ۲، ص ۴۷۲.
۱۰. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۲۱۸.
۱۱. اثبات الهداء، ج ۲، ص ۵۱۰.
۱۲. منتخب الاثر، ص ۲۲۹.
۱۳. بقره، آیه ۱۵۵.
۱۴. القیبه النعمانی، ص ۱۳۲.
۱۵. يوم الخلاص، ج ۱، ص ۳۳۸.
۱۶. اثبات الهداء، ج ۲، ص ۵۱۰.
۱۷. همان، ص ۴۷۲.
۱۸. شیخ طوسی، القیبه، ص ۲۶۲.
۱۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۲.
۲۰. آل عمران، آیه ۱۴۱.
۲۱. اثبات الهداء، ج ۲، ص ۴۶۱.

پرسمن





پیان لهجراز

نرگس تاجوران

■ أَلَمْ تَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ

یکی از نعمت هایی که خداوند در قرآن کریم به آن اشاره فرموده نعمت زبان است.

سوره بلد: «أَلَمْ تَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ» ۱ آیا دو چشمش ندادیم و زبانی و دو لب

زبان مهمترین وسیله ارتباط انسان با انسان های دیگر و نقل و مبادله اطلاعات و معلومات از قومی به قوم دیگر، و از نسلی به نسل دیگر است. اگر زبان نبود هرگز انسان نمی توانست تا این حد در علم و دانش و تمدن مادی و مسائل معنوی ترقی کند.

خداوند متعال: ای فرزند آدم، اگر زبانت خواست تو را وادار به حرام کند من دو لب برای جلوگیری از آن در اختیار تو قرار داده ام، لب فرو بند. ۲

در آیه ۹ سوره بلد خداوند به لب هم اشاره داشته در صورتی که آیه ۸ برای چشم ها اشاره به پلک ها شده، به خاطر دو علت:

۱. نقش لب ها برای سخن گفتن و غذا خوردن و سایر مهمات به مراتب بیش از پلک ها در مورد چشم هاست.

۲. کنترل زبان از کنترل چشم ها به مراتب مهم تر و سرنوشت سازتر است.

از آن جایی که سخن گفتن سحر می کند و مسیر زندگی انسان ها را تغییر می دهد لذا قرآن در مورد سخن گفتن آیاتی دارد از جمله:

الف) سخن گفتن با نر می، «فَقُولَا قَوْلًا لِّمَا لَهُم بِتَذَكُّرٍ لِّوَيْحِي» به نر می با او سخن یگویند شاید متذکر شود یا از خدا بترسد. ۳

ب) سخن گفتن نباید با داد و فریاد همراه باشد. «لَا يَجِبُ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسَّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا». ۴

زیرا خداوند می فرماید: «وَإِغْضِضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» از صدای خود بکاه که زشت ترین صدا صدای دراز گوش

است. ۵

«آهنگ صدا و لحن کلام در دلنشین و تأثیر آن در مستمعین نقش بسزایی دارد» ۶ (آهنگ صدا هر چه ملایم باشد سخن دلربا تر خواهد بود).

آرام سخن گفتن همراه با جملات زیبا دو ریل موازی هستند که قطار کلمات، سخنور را به مقصد می رسانند. ۷ (انسان وقتی بلند حرف می زند صدایش را می شنوند، اما وقتی آرام و ملایم سخن می گوید به گفته اش گوش می دهند).

ج) سخن گفتن همراه با نیکي، «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» با مردم به زبان خوش سخن بگو. ۸

د) بزرگواریه سخن بگویند «وَقُلْ لِّهَآ قَوْلًا كَرِيمًا» با آن ها سخن شایسته بگو. ۹

پیامبر اکرم (ص): جمال المرأة في فصاحة اللسان، زیبایی انسان در فصاحت و شیوایی زبان است. ۱۰

سنگ هرگز در آب نمی پوسد و سخن دلنشین اثرش از بین نمی رود. ۱۱

■ تأثیر سخن نرم، بزرگواریه، همراه با نیکي

در درمان بیماری

ارتباط تنگاتنگ جسم و روان همچون دریا و ساحل است. آن هنگام که دریا متلاطم و طوفانی است تخریب ساحل بیشتر خواهد بود.

حضرت علی (ع): «الكلام كالدواء»، کلام مانند دوا است. ۱۲ تحقیقات آزمایشگاهی در خصوص ارتباطات قشر مخ با سیستم لیمبیک و هیپوکامپ و مراکز خود تنظیم بخش نباتی ساقه مغزی نشان می دهد که سخنان زیبا و دلنشین کارکرد قشر مخ توسط جسم مشبک را چنان تنظیم می کند که آستانه تحمل درد را بالا

می برد. ۱۳





پس بدانید که مرگ در زندگی
توأم با شکست و زندگی جاویدان
در مرگ پیروزمندانه شملت ۱۶

تاریخ گواه است که چگونه پس از این سخنان سپاهیان علی (ع) به
فرماندهی امام حسن (ع) با جمله برق آسای خود، فرات را از چنگل
معاویه خارج نمودند و بر آب فرات تسلط یافتند.

بارن لطیف کلام است که جنگل احساس و روح زیبایی طلب آدمی را
طراوت می بخشد، به گفته پیامبر اکرم (ص) بعضی از بیان ها سحر
هستند «لن من البیان سحراً» ۱۷.

پس همیشه برای اینکه زندگی خوبی با خانواده خود، خانواده همسر و
دیگر افراد جامعه داشته باشیم، به آیه های قرآن در مورد سخن گفتن
پایبند باشیم، تا قهرها و کینه ها، بحث و جدل ها از بین برود و جای
آن ها را محبت و صفا و صمیمیت پر کند.

پی نوشت ها:

۱. پند ۸۹.

۲. نورالقلوب، ج ۵، ص ۵۸۱.

۳. طه ۴۴.

۴. نساء ۱۴۸.

۵. لقمان ۱۹.

۶. جان کایزل.

۷. پل رینو.

۸. بقره ۸۲.

۹. لمره ۲۲.

۱۰. تحف العقول، ص ۵۳۷.

۱۱. ضرب المثل چینی.

۱۲. غررالحکم، ج ۲، ص ۲۳۸.

۱۳. دکتر خسرو پارسا دردهای مقاوم و درمان آن.

۱۴. دکتر سید مصطفی موسوی حرمی، هنر سخنوری و اعجاز کلام.

۱۵. احزاب ۷۰.

۱۶. نهج البلاغه/ خطبه ۵۱.

۱۷. تحف العقول، ص ۵۵.

دکتر ریشارد ویشارد که اولین بیمارستان آمریکایی را در تهران
بنیان نهاد، بیان می کند: «اگر سخنان و تصورات لطیف وارد زندگی
آمریکایی ها می شد مقدار زیادی از هزینه های پزشکی مردم را
تقلیل می داد».

■ امواج آلفا در مغز

وقتی شخصی مشغول فعالیت است، امواج مغزی او ۱۴ تا ۱۶ بار
در ثانیه نوسان دارد که به آن امواج بتا می گویند.

زمانی که استرس ایجاد می شود، این امواج گاه به ۳۰ بار در ثانیه
می رسد که کاملاً با زمان و مقدار استرس در رابطه است. آن
هنگام که فشارهای روحی کم رنگ تر می شود به تدریج از امواج
مغزی هم کاسته می شود. هرگاه آرامش روحی کاملاً ایجاد شود،
امواج مغزی به ۸ الی ۱۲ بار در ثانیه می رسند که به آن ها امواج
آلفا می گویند.

سخنان زیبا و دلنشین، تنش های درونی مخاطبین را کاهش می
دهند و در قلب آنان نفوذ می کند و در ایجاد امواج آلفا در مغز
نقش کلیدی دارند.

زمانی که کلام دلنشین، مستمع را در شرایط آلفا می برد، تغییرات
فیزیولوژیکی متعددی رخ می دهد. کاهش میزان سوخت و ساز و
ذخیره انرژی کاهش تعداد تنفس و ضربان قلب از آثار مهم آن
است.

زمانی که امواج آلفا در مغز پدیدار می شوند، سطح لاکتات در خون
کاهش می یابد، در این شرایط اعصاب سمپاتیک از فعالیت خود
می کاهد و فرمائروایی به سیستم پاراسمپاتیک محول می گردد.
که آرامش اغلب سیستم های درونی از جمله قلب و عروق را در
پی دارد ۱۴.

ه) محکم و مستدل حرف بزنید. «یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و قولوا
قولاً سدیداً» ۱۵ ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و
سخنی درست و استوار بگویید.

در جنگ صفین که سپاه معاویه آب فرات را بر سپاه امام علی (ع)
بسته بود، علی (ع) محکم و با استدلال می گوید: «شما با بستن
آب شما را به پیکار دعوت کرده اند» اکنون بر سر دو راهی قرار
دارید: یا به خواری و ذلت بر جای خود بنشینید، یا شمشیرهای
خود را از خون آتیلن سیراب سازید، تا خود از آب سیراب شوید.



سه فضلی که «شیخ نخودکی» با یک کلید باز کرد

شیخ حسنعلی اصفهانی (مقدادی اصفهانی) که به خاطر سکونت سالهای پایانی عمر در روستایی بنام نخودک در نزدیکی مشهد، مشهور به شیخ حسنعلی نخودکی بود، (زاده: ۱۲۴۱ هجری شمسی اصفهان، درگذشت ۷ شهریور ۱۳۲۱ هجری شمسی، مشهد) فقیه، فیلسوف و از عرفا و اخلاقیون بزرگ شیعه در قرن چهاردهم هجری است. شیخ حسنعلی مقدادی اصفهانی (نخودکی) فرزند علی اکبر فرزند رجبعلی مقدادی اصفهانی، در خانواده‌ای مذهبی متولد شد.

پدر

خاندان وی به قولی از نسل مقدار است از این رو فامیل مقدادی در این خاندان به کار گرفته می شود و بنا بر قولی از فرزندش علی مقدادی اصفهانی در کتاب (نشان از بی نشانها) برای شیخ حسنعلی اصفهانی از راه مکاشفات باطنی ثابت شده بود که از نسل فاطمه زهرا (س) است. پدر وی مرحوم ملا علی اکبر از راه کسب، روزی خود و خانواده را تحصیل می کرد و آنچه عاید او می شد، نیمی را صرف خویش و خانواده می کرد و نیم دیگر را به سادات و نسل فاطمه زهرا اختصاص می داد.

تولد

حسنعلی در سال ۱۲۷۹ قمری در اصفهان متولد شد و بر اثر برخوردی با محمد صادق تخت فولادی وارد عالم عرفان شد. خود حسنعلی اصفهانی نقل کرد: «بیش از هفت سال نداشتم که نزدیک غروب آفتاب یکی از روزهای ماه رمضان که با تابستانی گرم مصادف شده بود، به اتفاق پدرم، به خدمت استاد حاجی محمد صادق مشرف شدم. در این اثناء کسی نیاتی را برای تبرک به دست حاجی داد. استاد نبات را تبرک و به صاحبش رد فرمود و مقداری خرده نبات که کف دستش مانده بود، به من داد و فرمود بخور، من بیدرنگ خوردم. پدرم عرض کرد: حسنعلی روزه بود. حاجی به من فرمود: مگر نمی دانستی که روزه ات با خوردن نبات باطل می گردد. عرض کردم: آری، فرمود: پس چرا خوردی؟ عرضه داشتم: اطاعت امر شما را کردم. استاد دست مبارک خود را بر شانه من زد و فرمود: با این اطاعت بهر کجا که باید می رسیدی رسیدی.»

تحصیلات

حسنعلی اصفهانی از آغاز نوجوانی خود، به کسب دانش و تحصیل علوم مختلف مشغول شد، خواندن و نوشتن و همچنین زبان و ادبیات عرب را در اصفهان فرا گرفت و در همین شهر، نزد استادان بزرگ زمان،

به اکتساب فقه و اصول و منطق و فلسفه و حکم پرداخت. وی فقه و فلسفه را از آخوند ملا محمد کاشانی آموخت. همچنین فلسفه و حکمت را از جهانگیر خان و تفسیر قرآن مجید را از محضر درس حاجی سید سینا پسر سید جعفر کشفی و چند تن دیگر از علماء عصر آموخت. سپس برای تکمیل معارف به نجف اشرف و به کنار مرقد علی بن ابی طالب (ع) رفت. در این شهر، از جلسات درس حاجی سید محمد فشارکی و حاجی سید مرتضی کشمیری و ملا اسماعیل قره باغی استفاده می کرد. او علاوه بر علوم معارفی و عرفانی در اصفهان و نجف دروس فقه، اصول و فلسفه را از افرادی چون جهانگیر خان قشقایی، آخوند خراسانی و سید محمد فشارکی فرا گرفت. شیخ حسنعلی نخودکی در نجف، هم حجرهای سید حسن مدرس بود. از دوستان او می توان به شیخ محمد بهاری و سید حسین طباطبایی بروجردی اشاره کرد.

فرزند

شیخ علی مقدادی اصفهانی از نویسندگان شیعی معاصر در اسفند سال ۱۳۸۸ در تهران درگذشت و در خراسان دفن شد. شیخ علی مقدادی اصفهانی شرح حال پدرش را در کتاب (نشان از بی نشانها) آورده است.

دوران تدریس

نخودکی اصفهانی بر علوم غریبه احاطه داشت و شاگردانی مانند سید عبدالاعلی سبزواری و محمود حلبی را در این رشته تربیت کرد. او در سال ۱۳۲۱ هجری شمسی درگذشت و در مشهد در حرم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) دفن گردید. مشهور است که او زمان وفات و محل دفن خویش را قبل از مرگ به نزدیکانش اعلام نموده بود.

اجازه روایت

آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی چنان که از کتاب (الاجازه الکبیره و المسلسلات) بر می آید از نخودکی اجازه نقل روایت دارد. دستخط شیخ حسنعلی نخودکی در کتاب المسلسلات آمده است.

درگذشت

وی در ۱۷ شعبان ۱۳۲۱ شمسی، گ از دنیا رفت و در مشهد صحن انقلاب اسلامی دفن شد.

مرحوم آیت الله حسنعلی اصفهانی مشهور به «شیخ نخودکی» در طول ۸ دهه عمر پربرکت خود، کرامات بسیاری را رقم زد که مهم ترین آن ها تشرّف نزد امام علی بن موسی الرضا (ع) است. این کرامت ها در سایه انس با قرآن و خواندن نماز اول وقت حاصل شد.



✽ نماز اول وقت «شاه کلید» است

مرحوم شیخ بر خواندن نمازهای روزانه در اول وقت تأکید بسیار داشت و این نخستین وصیت او به فرزند خویش بود. این عارف حقیقی می گفت: اگر آدمی یک اربعین به ریاضت پردازد، اما یک نماز صبح از او قضا شود، نتیجه آن اربعین، «هَبَاءٌ مَّنْثُورٌ» خواهد شد. (اشاره به آیه ۲۳ سوره فرقان و به معنای پراکنده شدن ذرات غبار در هوا)

جناب شیخ فرزندش را بر تهجد و نماز شب سفارش می کرد و می گفت: «بدان که در راه حق و سلوک این طریق، اگر به جایی رسیدم، به برکت بیداری شبها و مراقبت در امور مستحب و ترک مکروهات بوده است. ولی اصل و روح همه این اعمال، خدمت به نراری (فرزندان) ارجمند رسول اکرم (ص) است»

نقل است جوانی نزد شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی آمد و گفت: سه قفل در زندگی ام وجود دارد و سه کلید از شما می خواهم! قفل اول این است که دوست دارم یک ازدواج سالم داشته باشم، قفل دوم اینکه دوست دارم کارم برکت داشته باشد و قفل سوم اینکه دوست دارم عاقبت بخیر شوم.

شیخ نخودکی فرمود: برای قفل اول، نمازت را اول وقت بخوان، برای قفل دوم نمازت را اول وقت بخوان و برای قفل سوم هم نمازت را اول وقت بخوان!

جوان عرض کرد: سه قفل با یک کلید؟

شیخ نخودکی فرمود: نماز اول وقت «شاه کلید» است.





ام البنین قربانی

ایام الله یوم



یوم الله

امام امت (ره) از ۲۲ بهمن همچون ۱۵ خرداد ۱۷ شهریور، ۱۲ فروردین و ... به عنوان «ایام الله» یاد کردند. و درباره چنین ایامی فرمودند: «بر ملت شریف ماست که این ایام الله را که هدیه هایی از عالم غیب ربوبی است، با جان و دل حفظ و با جنگ و دندان نگهداری کنند» ۱.

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر گران قدر المیزان می نویسد: «با این که تمام روزها و تمام چیزها از آن خدای متعال است، ولی اختصاص دادن روزهایی به نام «ایام الله» یا یوم الله به خاطر آن است که فرمان و امر خدا در آن روزها چنان آشکار است که برای فرمان جز خدا، هیچ گونه ظهوری باقی نمی ماند، ایام الله، زمان ها و شرایطی است که فرمان خدا و آیات و نشانه های وحدانیت و سلطه الهی آشکار شده، یا می شود؛ مثل روز مرگ که قدرت و سلطه «آخرت» در آن روز آشکار می شود و اسباب دنیوی از تاثیر می افتد، یا روز «قیامت» که هیچ کس برای دیگری مالک هیچ چیز نیست، و در آن روز فرمان از آن خداست، یا مثل ایامی که خداوند در آن ها قوم «نوح»، «عاد» و «ثمود» را به هلاکت رسانده، که در امثال این گونه روزها، قهر و غلبه الهی آشکار شده و معلوم می گردد که تمامی عزت متعلق به خدا است. ممکن است که منظور از ایام الله ایامی باشد که نعمت های خدای متعال آشکار است؛ مثل روز خروج نوح و اصحابش از کشتی یا سلام و سلامتی و برکت های الهی یا روز نجات دادن ابراهیم از آتش یا غیر این ها ... از حوادث و ایامی که جز به خدا نمی توان به دیگری نسبت داد، این ها روزهای خاصی خدائی (ایام الله) است» ۲.

پس ایام الله، روزهای بزرگ و تاریخی و سرنوشت سازی است که در تاریخ یک ملت یا در سرنوشت یک نسل یا کلا در سرگذشت «نشان» پیش می آید.

گاهی به صورت نعمتی بزرگ و گاهی به صورت عذابی عظیم و دردناک که حتی منجر به زوال یک ملت گشته و نام «عذاب استیصال» به خود می گیرد.

علامه طباطبایی رحمه الله در جای دیگر می فرماید: «ایام الله، ایامی است که هیچ حکومت و سلطه ای نیست، مگر برای خدا، مثل روز مرگ، بروز، روز قیامت و روز عذاب استیصال ...» ۳. در روایات متعددی، به روز مرگ قیامت و روز قیام حضرت مهدی (عج) ایام الله اطلاق شده است.

از امام باقر (ع) چنین نقل شده است که فرمود:

«ایام الله، یوم یقوم القائم (ع)، و یوم الکرة، و یوم القیامة» ۴.

«ایام الله، روز قیام حضرت مهدی موعود (ع)، روز رجعت و روز قیامت است».

در تفسیر علی بن ابراهیم نیز روایتی بدین مضمون نقل شده، ولی به جای کلمه «الکرة» «یوم الموت» آمده است. ۵

ابن ابی الحدید می نویسد: «ایام الله، هم ایام «انعام» است و هم ایام «انتقام» تا بدین وسیله «رغبت» و «ترس» ایجاد شود». ۶. ۲۲ بهمن نیز یکی از روزهایی است که خداوند متعال نعمت بزرگ پیروزی را به ملت به پاخاسته ایران اسلامی عطا فرمود و به فرموده امام امت از ایام الله گردید.

ملتی که سال های سال، زیر چکمه های حکام جور و دژخیمان خود فروخته، آخرین نفس های حیات خود را می کشید، خداوند متعال با برانگیختن رهبری فرزانه و بی نظیر روح تازه ای در آن ها دمید و با حرکتی یک پارچه و پر خروش، با سلاح ایمان و رهبریت روح خدا، در مقابل طاغوتیان تا دندان مسلح ایستادند و لطف بزرگ الهی و نعمت پیروزی را نصیب خود گردانیدند.



یادآوری ایام الله

و در کشور ایران که کشور انقلاب و شاهد بسیاری از حوادث بزرگ که باید آن ها را ایام الله محسوب کنیم و به ذکر آن ها و تذکر آن ایام بپردازیم که برای ملت قهرمان و مجاهدان سلحشور، درس انقلاب است

۹»

در این آیه شریفه خداوند متعال، بعد از این که حضرت موسی (ع) را مأمور می سازد، تا ایام الله را یادآوری کند، یک نمونه از ایام الله؛ یعنی، روز نجات بنی اسرائیل از جنگال فرعونیان را یادآوری می فرماید:

«اذ انجاکم من آل فرعون»

با این که در تاریخ بنی اسرائیل، روزهای بزرگی که خداوند در پرتو هدایت حضرت موسی (ع) به آن ها نعمت های بزرگ عطا فرمود، فراوان بود، ولی ذکر «روز نجات» در این آیه، حاکی از اهمیت فوق العاده استقلال و آزادی از جنگال فرعونیان می باشد. ۱۰

روز ۲۲ بهمن ۵۷ نیز روز نجات ملت ایران از جنگال طاغوتیان زمان، روز آشکار شدن نعمت بزرگ الهی؛ یعنی، استقلال و آزادی بود این مسلم است که هر ملتی تا از وابستگی ها نجات پیدا نکند و از

«و لقد ارسلنا موسی بایاتنا ان اخرج قومک من الظلمات الی النور و ذکرهم بایام الله...» ۷.

ما موسی را همراه با نشانه ها و آیه هایمان فرستادیم (و دستور دادیم) قوم خودت را از ظلمت ها به سوی «نور» بیرون آر، و آنان را به یاد ایام الله ببنداز. یادآوری روزهای بزرگ (اعم از روزهای پیروزی یا روزهای سخت) نقش مؤثری در بیداری و هوشیاری ملت ها دارد. بدین جهت امیرالمؤمنین (ع) در نامه ای به «قثم بن العباس» که کارگزار وی در مکه است چنین می نویسد: «برای مردم حج را بر پای دار، و آنان را به یاد «ایام الله» ببنداز». ۸.

امام خمینی (قدس سره) می فرماید: «تذکر به «ایام الله» که خداوند متعال به آن امر فرموده است، انسان ساز است. قضایاتی که در ایام الله رخ داده است، برای تاریخ و انسان ها در طول تاریخ آموزنده و بیدار کننده است. حوادث بزرگ تاریخ که قرآن مجید هم از بعضی از آن ها یاد کرده است، سرمشقی ببرکت برای ساختن جامعه ها و اشخاص و جامعه عصر ما که عصر انقلاب است



و غرب هرچند به سلاح های مدرن مجهز باشند، در برابر نیروی هماهنگ مردمی که با سلاح ایمان مبارزه می کنند، بی اثر است.

پی نوشت ها:

۱. پیام امام خمینی (ره) به مناسبت سالگرد ۱۵ خرداد سال ۱۳۶۰.
۲. تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۱۸.
۳. همان، ج ۱۸، ص ۱۶۴، ذیل آیه ۱۴ از سوره جاثیه
۴. تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۵۲۶.
۵. همان.
۶. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۳۱.
۷. ابراهیم، ۵.
۸. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۳۰.
۹. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۱، از پیام امام (ره) در تاریخ (۶۱/۶/۱۷).
۱۰. ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۱۰، صص ۲۷۶ و ۲۷۷.

چنگال اسارت و استثمار آزاد نشود، نمی تواند نبوغ و استعداد خود را آشکار سازد و در راه «الله» که راه مبارزه با هر گونه شرک و ظلم و بیدادگری است، گام نهد.

یادآوری ۲۲ بهمن

یادآوری یوم الله ۲۲ بهمن؛ یعنی، یادآوری رشادت ها و فداکاری ها و شهادت طلبی های ملت منسجم و خداجوی و پیرو ولایت و رهبری که با ایثار خون خود ثابت کرد که «خون بر شمشیر و حق بر باطل پیروز است». یادآوری ۲۲ بهمن؛ یعنی، یادآوری تجلی حکومت الله در روی زمین، روزی که برنده ترین سلاح معنوی؛ یعنی، ایمان، پیروزی آفرید.

روزی که کلمه توحید، در وحدت کلمه به دست آمد و در نتیجه اعتصام به «حبل الله» رژیم ستمشاهی دوهزار و پانصد ساله طاغوتیان به زیاله دائمی تاریخ سپرده شد و ثابت کرد آوای «الله اکبر» از رگبار «مسلل» قوی تر و نیرومندتر است.

۲۲ بهمن به ما آموخت که در مبارزه با دشمنان اسلام، فقط باید بر خدا تکیه داشت گرچه دست از سلاح تهی باشد و وابستگی به شرق

نکات کاربردی تبلیغ

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

تبلیغ و دعوت به سوی ارزش های اسلامی و الهی در فرهنگ قرآن و سیره پیامبران و ائمه معصومین (ع) یک وظیفه همگانی و همیشگی برای مسلمانان بوده و دارای اهمیت بسیار زیادی است و به دو صورت فردی و گروهی، قابل انجام است که برای هر دو قسم آن، آیات و روایاتی دلالت دارد؛ به عنوان نمونه به مواردی از آنها می پردازیم:

قرآن مجید، بهترین گفتار را دعوت الی الله دانسته است و می فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ لَوْلَا يَمُنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» ۱ «و چه کسی خوش گفتارتر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می کند و عمل صالح انجام می دهد و می گوید: من از مسلمانانم»
و نیز قرآن کریم برترین امت را امتی می داند که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» ۲ «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگاران اند»
و در واقع یک مبلغ الهی به مقتضای: «وَكُفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» تنها به این می اندیشد که حسابگر اعمال او خدا است و پاداشش به دست او است و همین آگاهی و عرفان به او در این راه بر تشبیب و فراز مدد می دهد ۳

نکات کاربردی تبلیغ

۹. همیشه از راه مثبت بحث را پیش بگیریم، مثلاً بگوییم زندگی پس از مرگ.
۱۰. در تبلیغ از قصه شروع کنید مانند قرآن، مثل سوره یوسف، قصه را هم که می گوئید، حرکات مناسب با قصه باشد، تَن صدا، آهنگ و لحن با آن قصه تطبیق یکنند.
۱۱. مواظب خناس ها در کلاس ها و سخنرانی ها باشید و مواظب باشید که به شما خط ندهند.
۱۲. در مقابل انتقاد افراد چه کنیم؟ ببینیم چه کسی خبر آورده است؟ اگر قضیه ای که برای ما نقل کرده ثابت شد به مسئولان قضایی خبر دهیم و اگر ثابت نشد اعتنا نکنیم.
۱۳. آفت ها و آسیب های مسیر را بشناسید و شناسانید تا موانع کار برطرف شود.
۱۴. اسلام را از مسلمان ها جدا کنید: «الاسلام شیء و المسلم شیء آخر»، حساب خرافات را از حق جدا کنیم.
۱۵. آنچه که در تبلیغ نقل می کنید عقلی و قطعی باشد و یا نقل قطعی باشد؛ مثل قرآن یا روایات قطعی.
۱۶. از عرفا چیزی نقل نکنید؛ چون مستند به آیات و روایات نیست و آنها هر چه بگویند شاید برای خودشان حجت باشد ولی برای دیگران نمی تواند حجت باشد.

۱. با صراحت و محکم بگو، بلد نیستیم نمی دانیم آیاتی هست که می گوید: نمی دانیم «سبحانک لا علم لنا...»
۲. مخاطب را به نحو احسن بشناسیم و مطابق نیاز او صحبت کنیم
۳. کلاس داری، تبلیغ یا سخنرانی ۲۰ دقیقه، حداکثر نیم ساعت باشد و الا مستمعین خسته می شوند.
۴. کلیاتی را که همه قبول دارند نشانه نگیرید؛ مثلاً نگوئید که سینما، بد است، در این گونه موارد، جزئیات بد را بیان کنید، بگوئید فیلم بد، بد است.
۵. با فطرت، جنگ نکنید و در برابر فطرت نایستید و با آن مخالفت نکنید
۶. در برخورد با دیگران، بر محرمات حساس نشوید و بر مکروهات هم حساسیت نشان ندهید. مثلاً نگوئید: آقا! چرا نماز نخواندی؟ چرا فلان کار زشت را انجام دادی؟ بلکه اول از صفات خوب او شروع کنید.
۷. چیزهایی که در ذهن مردم ارزش است، آن را ضد ارزش جلوه ندهید.
۸. مطلب و محتوا به گونه ای باشد که عامه مردم بفهمند و خواص نیز پسندند.



باشد تا طرف مقابل حساس شود.

۳۱. گاهی سکوت هم لازم است و همین

سکوت یک کودتا می کند و در طرف انقلاب به وجود می آورد.

۳۲. در تبلیغ و سخنرانی ها و... از ضرب المثل ها استفاده کنید که مسئله را برای مخاطب خیلی ملموس می کند. مثل «هن کان له الغنم فله الغرم».

۳۳. موضوعات کاربردی را «تابلو» کنیم و در جای مفید بزنیم تا در دید همه باشد.

۳۴. آنچه می گوئیم یا واجب است یا مستحب، یا نیاز جامعه است و یا نیاز فرد یعنی غیر از این، موارد دیگر را برای مردم نگوئید که مورد نیازشان نیست.

۳۵. ما نباید در بیان، این قدر اشعاب و شاخه شاخه درست کنیم که مخاطب گیج شود.

۳۶. در خدانشناسی، به جای خدای موجود، بیش از آن خدای محبوب را ثابت و بیان کنیم.

۳۷. آبرو، درست کردنش یک عمر می خواهد و از بین رفتنش یک دقیقه هم نمی خواهد لذا مواظب باشیم که آبروی ما به هدر نرود. ۳۸. اگر قیافه مبلغ جذاب و قشنگ باشد باید به جلسه خواهرها نرود.

۳۹. هر دروغ گفتنی حرام است اما هر راست گفتنی واجب نیست، همه چیزها را برای مردم نگوئید.

۴۰. در آخر دعا کردن فراموش نشود، آن هم با همان موضوع سخنرانی.

۴۱. اگر به شما موقعیت بدهند مواظب وسوسه ها باشید.

۴۲. اگر سخنران خوبی باشیم مردم عاشق ما می شوند و ما هم که رفتنی هستیم اگر سخن قرآنی باشد جذب قرآن می شوند و قرآن هم که ماندنی است.

۴۳. مبلغ باید کار خودش را با عشق و علاقه انجام دهد.

پی نوشت

۱. فصلت / ۳۳.

۲. آل عمران / ۱۰۴.

۳. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۷، ص ۳۶۰.

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

۱۷. روی اخلاقیات تکیه کنید که مستند به آیات و روایات است.

۱۸. بر خواب تکیه نکنید و در سخنرانی خواب را بیان نکنید.

۱۹. دین تان، سخنرانی و تبلیغ تان را از قرآن بگیرید و سپس از روایات قطعی

۲۰. اگر خط تان خوب نبود از آن استفاده نکنید، بلکه فقط روی خطابه و کلمات توجه کنید.

۲۱. تبلیغ بر چند نوع است:

الف) تبلیغ سمعی: نوار، اویسیم و من بلغه کلامی.

ب) تبلیغ بصری: کاریکاتور، نقاشی.

ج) تبلیغ عملی: «کونوا دعاة الناس بغير السننکم، صلوا کما رأيتمونی اصلي».

د) تبلیغ معنوی: «خذ اربعة من الطير» مانند آهن داغ کردن حضرت امیر برای عقیل برادر خودش.

۲۲. سراغ کارهای پر سر و صدا نروید چون: الف) مشک پر، سرو صدا ندارد، مشک نیمه خالی سر و صدا دارد.

ب) پول اسکناس سرو صدا ندارد، پول خرد سرو صدا دارد.

۲۳. مبلغ باید قالب ساز باشد نه قالب پذیر.

۲۴. مبلغ در مقابل سیاسی باید سیاسی باشد و همچنین در مقابل افراد دیگر مثل خودشان رفتار کند.

۲۵. کتاب های مهم و بزرگ را خلاصه و بیان کنید.

۲۶. توجه کنید که در تبلیغ از چه طریقی وارد شوید: «هو الذی یصلی علیکم و ملائکته» یعنی از طریق شادی وارد شوید.

۲۷. هنگام تبلیغ انگشت و... نداشته باشید و همچنین قیافه تان درست باشد تا اصل تمرکز یعنی حواصی مخاطب پرت نشود.

۲۸. برای تازه نگه داشتن روحیه و رفع خستگی همه آنچه بلد هستند و در کلاس گفتند را، با هم تکرار کنید.

۲۹. به عنوان حکم ثانوی بعضی اوقات بعضی چیزها بر مبلغ حرام می شود مثلاً خوردن و آشامیدن در خیابان، سیگار کشیدن و...

۳۰. گاهی مسائل را باید با هیجان گفت، پس تبلیغ باید با هیجانات

گفتگو با سرکار خانم معصومی مدیر

با عرض سلام و ادب خدمت سرکار خانم معصومی
و تشکر از این که این فرصت را در اختیار ما و خوانندگان محترم گذاشتند.

غذایی، برای رزمندگان.

با وجود این با لطف الهی و تشویق مرحوم پدرم و همکاری دائمی همسرم که در همه حال از زحمت ها و همکاری های ایشان تشکر می کنم و برای پدرم آرزوی علو درجات را دارم، باعث شد بتوانم این راه سخت را طی کنم و از سوم راهنمایی، به سطح ۲ حوزه پرسم و هم اکنون نیز سطح ۳ را تمام کردم و درگیر پایان نامه می باشم.

لطفاً کمی بفرمایید از مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) را برای بیان بفرمایید.

مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) در سال ۷۸ توسط حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج آقا عندلیبی (حفظه الله) و همکاری جناب آقای کارشناس تأسیس گردید که در ابتدا کلاس ها، در خانه ای قدیمی متعلق به مرحوم آقای آرال (رحمه الله) که توسط فرزندان ایشان برای این کار هدیه شد با پذیرش ۱۲ طلبه که سرکار خاتم صادقی از اولین طلاب این مدرسه هستند، شروع به کار کرد. روز اولی که شروع شد با دو میز و چند صندلی و یک تخته وایت برد و ۱۲ طلبه بود و از نظر استاد یک استاد خاتم بود، که بنده بودم و بقیه اساتید، آقا بودند، و حاصل قریب ۱۷ سال فعالیت ما (الحمد لله)، تقریباً همه اساتید ما، خاتم هستند که از طلاب برجسته مدرسه خودمان هستند که سطح ۳ را گذرانده اند و مجوز تدریس مربوطه را نیز از مرکز مدیریت گرفته اند و هم اکنون مشغول به تدریس هستند.

در حال حاضر مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) چند طلبه دارد و شما به عنوان مدیر این مدرسه چقدر از سطح علمی طلاب رضایت دارید و اگر بخواهید مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) را با دیگر مدارس مقایسه کنید چه ویژگی بارزی را برای این مدرسه هر نظر می گویید؟

جمعاً ۳۷۲ طلبه در حال تحصیل و فارغ التحصیل مقطع سطح ۲ داریم که ۵۰ نفر با اداره آموزش و پرورش برای اقامه نماز جماعت همکاری دارند و ۱۹۷ نفر مبلغ داریم که در سطح شهرستان و روستا های اطراف مشغول تبلیغ در پایگاه های بسیج محلات و برگزاری کلاس های قرآن، کتون های قرآنی و خانه های قرآنی هستند.

سرکار خانم معصومی لطفاً از خودتان و از فعالیت های شما و اینکه از چه زمانی در حوزه علمیه خواهران مشغول فعالیت شده اید بفرمایید؟

بنده زهرا معصومی متولد ۱۳۴۶ هستم که در خانواده ای روحانی بدنیا آمدم، مرحوم پدر، عمو و پدر بزرگم از افراد بنام منطقه بودند، مرحوم پدرم حاج شیخ محمد علی معصومی (رحمه الله علیه) از روحانیون مبارز و آگاه و دلسوز و مردمی و استاد حوزه بود. بنده در سن ۱۵ سالگی ازدواج نمودم و در ۱۷ سالگی فرزندم اول و در ۱۹ سالگی فرزند دوم داشتم، فرزند دومم ۲ سال داشت و تقریباً سال ۶۸ بود که اطلاعیه غیر حضوری جامعه الزهرا (س) را در روزنامه دیدم و ثبت نام کرده و شروع به تحصیل نمودم و در سال ۷۴ دروس سطح ۱ و بعضی دروس سطح ۲ را تمام کردم و شروع به تبلیغ نمودم، و فرزند سومم نیز در سال ۷۵ بدنیا آمد و همزمان با آن در حالی که فرزند سومم چهل روز داشت، در آموزش و پرورش به عنوان مربی پرورشی مشغول به کار شدم و در کنار آن به فعالیت های تبلیغی نیز می پرداختم، در سال ۷۸ توسط حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج آقا عندلیبی (حفظه الله) و حاج آقا کارشناس به عنوان استاد حوزه معرفی شدم و در حوزه در خدمت خواهران، صرف و احکام تدریس می کردم، و در سال ۷۹ به عنوان مدیر حوزه علمیه فاطمه الزهرا (س) به قم معرفی شدم که پس از انجام مصاحبه و تأیید مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، مشغول به کار حوزه شدم و تاکنون به توفیق الهی مشغول هستم.

در زمان ما تحصیل کردن برای خاتم ها خیلی سخت بود و باید از اینجا با اتوبوس های قدیمی با دو تا بچه به قم می رفتیم، و در بین خانواده ها نیز مرسوم نبود که خاتم های بچه دار درس بخوانند، و بنده با وجود مشکلات زیاد، چون هم زمان با جنگ تحمیلی نیز بود همسرم و برادرانم و پدرم به جبهه می رفتند و ما هم بعضی مواقع باید در پشت جبهه با بسیج خواهران همکاری می کردیم، برای برگزاری مراسم شهدا و یا تهیه مواد

مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س)



بخاطر داشتن پدری عالم و وارسته و مائری بزرگوار و دلسوز که ما را همواره مورد هدایت و حمایت خودشان قرار می دادند و داشتن همسری فداکار و همراه و همدل که هر آنچه تا کنون تلاش علمی و مدیریتی داشته ام به پشتوانه همراهی و همدلی آن بزرگوار است که در همین جا برای مرحوم پدرم حاج شیخ محمد علی معصومی (رضوان الله علیه) غفران الهی و برای مادرم و همسرم سلامتی و طول عمر با عزت از درگاه الهی خواستارم و سوماً علاقه مندی به تحصیل و تدریس و تبلیغ و اینکه دوست دارم تا آخرین لحظات عمر اگر خداوند توفیق نصیبم کند در خانه حضرت زهرا (س) باشم و هر کاری که از دستم بر می آید برای خدمت به طلاب و جامعه خواهران انجام دهم. (ان شاء الله)

خاتم معصومی لطفاً اگر خاطره ای از دوران تبلیغ دارید بفرمایید

پس از اینکه سطح یک را از جامعه الزهرا (س) گرفتم یک روز زنگ زدم به جامعه الزهرا (س) و گفتم خوب حالا شما به ما مدرک داده اید ما چکار کنیم؟ آن آقای که مسئول فرهنگی بود به من گفت: شما همسایه دارید، گفتم بله، گفت: تدریس قرآن هم بلد هستی؟ گفتم: بله، گفت: خوب، چه بهتر از اینکه شما با جلسات قرآن شروع کنی و از همسایه های خودت هم شروع کنی. من هم به همسایه ها اعلام کردم، ماه رمضان شروع شد و جلسات روخوانی و تفسیر قرآن را شروع کردم، بعضی از همسایه های مایی سواد بودند و حتی روخوانی قرآن هم بلد نبودند، به فضل الهی به این چند نفر روخوانی و صحیح خوانی قرآن را یاد دادم و بقیه هم جزء خوانی داشتیم و هم اکنون با اینکه در آن محله زندگی نمی کنیم، اما ختم ها هر جا مرا می بینند، برایم دعا می کنند و می گویند: خداوند پدرت را بیاورد که قرآن خواندن و تفسیر را از شما یاد گرفتیم و همین کار اول من، که با استقبال خواهران شروع شد و نیاز آن ها را در مورد فهم قرآن، روخوانی قرآن، درک کردم، باعث تشویق من شد برای تبلیغ بیشتر و تلاش برای تبلیغ بهتر.

مدرسه از نظر علمی، فرهنگی و پژوهشی در سال ۸۸ رتبه کشوری ۱۷ و رتبه استانی ۱ و در طی سال های بعد نیز در امور فرهنگی رتبه اول یا دوم بوده ایم و در بازدید اخیر که از مدرسه بعمل آمد جزء مدارس موفق استان شناخته شده ایم و همه این ها به خاطر لطف الهی و عنایت مولایمان صاحب الزمان (عج) و تلاش های بی وقفه مسئولین از مؤسس محترم مدرسه گرفته تا معاونت ها، مشاورین، کادر و طلاب عزیز می باشد که جا دارد از همه آن ها تشکر کنم، مخصوصاً از مؤسس محترم مدرسه علمیه حاج آقا عندلیبی.

لطفاً نقش حوزه علمیه در سطح شهرستان را بیان بفرمایید، به بیان دیگر این مدرسه علمیه چه جایگاهی در اعتدای فرهنگ دینی در سطح شهرستان دارد؟

حوزه علمیه فاطمه الزهرا (س) الحمد لله در طی ۱۸ سال فعالیت خود توانسته است فعالیت های خوبی در سطح شهر و روستا برای اعتدای فرهنگ انجام دهد، این فعالیت ها مانند برگزار کردن اعتکاف در سطح شهرستان که با استقبال خوب خواهران اعم از جوان و نوجوان و بزرگسال روبرو می شود و در سطح روستاهای اطراف نیز معمولاً بخش فرهنگی آن به عهده طلاب می باشد، این همایش بندگی که با برنامه های فرهنگی و معنوی همراه است هر ساله تأثیرات بسیار خوبی بر روی خواهران جوان و نوجوان و بزرگسال ما می گذارد که همه آن ها در نظر سنجی ها به آن اذعان دارند، همچنین مناسبت های مختلفی مانند ایام دهه محرم و صفر و ماه مبارک رمضان و ایام ولادت حضرت زهرا (س) و شهادت ایشان و ائمه اطهار (علیهم السلام) که این مراسم در مکان حوزه علمیه برگزار می گردد، تا کنون تأثیرات خوبی داشته است.

موفقیت شما به عنوان یک مبلغ و مدیر این مدرسه علمیه کاملاً باز است لطفاً علل موفقیت تان را بفرمایید؟

بنده خود را انسان موفق نمی دانم، اگر چه توفیقاتی نصیبم شده است که همه را اولاً لطف الهی و عنایت آقا امام زمان (عج) می دانم و دوماً

**مطمئناً طلاب و علاقه مندان به کار تبلیغ دین دوست دارند
توصیه ها و رهنمودهایی را از شخصی شما دریافت کنند. لطفاً
بفرمایید برای حل یز آن مخاطب چه توصیه ای دارید؟**

به دختران طلبه خودم و مبلغان محترم این توصیه را دارم که ۱- هر چه ما در زندگی سعی و تلاش علمی و دینی کنیم همه حاصل آن پاکی و دیانتی است که ریشه آن پدر و مادر است بنابراین قدر پدران و مادران خود را بدانیم. ۲- اینکه اگر متأهل هستند و همسران آن ها را یاری می کنند، قدر شناس همسران خود باشند، در راه کسب رضایت آن ها هیچ کوتاهی نکنند و اگر مجردند سعی کنند همسری انتخاب کنند که همراه و همدل با آن ها باشد.

۳- توفیق سربازی امام زمان (عج) و ماندن در خانه حضرت (س) نیاز به تهذیب و تلاش علمی و معنوی زیاد دارد که بدون توکل بر خدا و عنایت الهی به دست نمی آید. پس از خداوند بخواهیم که این توفیق را به ما عنایت کند و تلاش کنیم تا (ان شاءالله) در پیشگاه مولایمان حضرت صاحب الزمان (عج) و حضرت زهرا (س) روسفید باشیم. و در این راه تنبلی و امروز و فردا کردن را کنار بگذاریم و با جدیت، تلاش شبانه روزی کنیم و از خدا بخواهیم نور علم و تهذیب را در قلب های ما قرار دهد.

در پایان از سر دبیر محترم نشریه بشری که تلاش بسیاری می کنند تا این نشریه به نحو احسن تهیه و توزیع شود کمال تشکر را دارم و برایشان آرزوی توفیق روز افزون را دارم و از خواهران طلبه توقع دارم که ایشان را در تهیه مطالب مطابق با ذوق خودشان یاری کنند. لطفاً اگر نکته دیگری هست که فراموش کردم سؤال کنم، خودتان بفرمایید. از خدا بخواهیم نور علم و تهذیب را در قلب های ما قرار دهد.



با سپاس از شما به خاطر فرصتی که در اختیار نشریه گذاشتید، برای شما آرزوی سلامت و موفقیت روز افزون را دارم، در پناه حق موفق و مؤید باشید.

«وصلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین»



اینکه، برخیزد ای شهیدان راه خدا! باغبان سبز عاطفه، برای دوباره رویشن دانه سرخ وجودتان، به دیدار آمده است. برخیزد که ذوالفقار عدالت، در دست فرزند علی است! امروز، پرچم سه رنگ وطن، با نام سبز روح الله آغاز می‌شود و با سپیدی صبح آزادی و سرخی خون عدالت خواهان، در می‌آمیزد تا بر قلمهای رفیع شرافت و صداقت سرزمین مان برافراشته شود. ۱

فجر انقلاب

نه شرقی و نه غربی است، نه سرخ است و نه زرد

در دست و عمق و شور و یک پارچگی

زیاتر از این نمی‌توان پیدا کرد

جان‌های جهانیان به لب آمده است

جان‌دینی حق، داوطلب آمده است

جمهوری اسلامی مادر این قرن

فجری است که در خلقت شب آمده است

بر ملت تازه رسته از دام و کند

آن بروکی گذشته، یارب پند

این در که بروی ماکشودی از مهر

باردگر از قمر، خدایا تو بمند

مشهور به سوره «حسین بن علی» است

شب رفت و سرود فجر، آشکنین است

از خون شهید، فجر مارکین است

این ملت قهرمان و آگاه و رشید

ثابت قدم است و قطع و سکین است

شب طلی شد و روز روشن از راه رسید

خورشید امید شرق، از غرب و مید

عیای زمان، راز زمین، «روح خدا»

در کالبد مرده، دمی تازه و مید

این نهضت حق، که خلق ما برپا کرد

برخیز که فجر انقلاب است امروز

بیگانه صفت، خانه خراب است امروز

هر توطئه و نقشه که دشمن بکشد

از لطف خدا، نقش بر آب است امروز

فجر است و سپیده حلقه بر در زده است

روز آمده، تاج لاله بر سر زده است

با آمدن امام در کشور ما

خورشید حقیقت از افق سر زده است

«والفجر» که سو کند خدای ازلی است

رو بفرست حق است که با «آل علی» است

این سوره به گفته امام صادق

اله صبر و احساس

محفوظ نگاشته ام. و نامت زینب شد تا زینت بخش محفل اهل بیت رسول الله (ص) باشی.

رسول عشق تو را به بانوی عشق و ایثار حضرت خدیجه (س) شبیه کرد و احترام بر تو را واجب گردانید و این گونه تو به رسالت عشق و ایثار بر کاروان اهل بیت معبوث شدی.

تو الهه صبری و خداوند اولین غزل شکیبایی را با ترنم آیه «ان الله مع الصابرين» در وجود تازنین تو تلاوت کرد.

تو تفسیر گویای صبری پروردگار خویشی.

تو محبوبه خدایی و خدا صلابت و شجاعت علی و لطافت نگاه مهربان فاطمه را در دریای چشمان تو به تماشا می نشیند.

تو شاعر توانای عشقی، که غزل عشق زلالیت به حسن و حسین، درون مایه بهشتی و محتوای جلودانگی دارد، تو زینت ایوان وحی و رسالت، زیب دلمان ولایت و زینب امامتی، فاطمه «أم ابیها» بود و تو «زین ابیها».

نامت را باید این گونه سرود: زینب یعنی تبلور صبر علی و تجسم عصمت فاطمه، زینب یعنی، زینت شب های بی کسی و تنهایی و بی زهرایی پدر، زینب یعنی مرحم زخم های سینه مادر، زینب یعنی سنگ صبور غربت و مظلومیت حسن، زینب یعنی خطبه گویای رشادت و حقانیت حسین، زینب یعنی زهرایی که سقیفه خون بارش کربلا آفرین شد، زینب یعنی پرستار زخم های عاشورایی، زینب یعنی آغوش پناه کبوتران پر و بال سوخته کربلایی، زینب یعنی زن، اسوه، وفاء، شکیبایی، عصمت، نجابت، شجاعت، زینب یعنی وصف تمام خوبی ها تا بی نهایت.

نفسه منشاء الهی

وقتی که پلک گشودی، خورشید پنجمین روز بهارانه ماه جمادی الاول، از افق نگاه بی کرانه تو طلوع کرد. گل لیخندت بر دامن نجابت زهرا شکفت و نوروز لحظه های صبوری، در تقویم آفرینش آغاز شد. هستی، سوره آفرینش تو را با روایت صبر تلاوت کرد. میلادت شوقی بهارانه در رگ های خاک دوانید و تبسم نمکین لب های روزگار را با خنده آشتی داد. صدای گریه ات در هلهله آسمانیان و دست افشانی زمینیان پیچید و ترانه شادی آفرید. عطر بهشتی نفست، مشام کوچه های مدینه را غرق افلاکی های بهشتی کرد. قدم دوم کوچک و مبارکت شادی آفرین بیت المقدس عشق علی و زهرا شد. وقتی که بر صحیفه هستی قدم گذاشتی جد بزرگوار رسول الله (ص) در سفر بود. پس زهرا (س) بی صبرانه، از علی (ع) خواست تا وجود زیبایت را به نام آراسته ای زینت دهد، اما پدرت علی که شاگرد ادب آموز مکتب رسول خدا (ص) بود فرمود: «من در انتخاب نام بر پیامبر سبقت نمی گیرم، صبر می کنیم تا پیامبر از سفر برگردد». چون پیام آور رحمت از سفر بازگشت به دیدار زهرا شتافت و از خبر تولدت مسرور شد. غنچه وجودت را در آغوش محبتش گرفت و بوسید. در گوشت اذان وحدت و در قلبت ترانه محبت و صبوری زمزمه کرد. خدا به یمن قدم رسول عشق، جبرائیل را بر اهل بیت نازل کرد. جبرائیل امین بر ایشان سلام و صلوات و شادباش گفت و پیام نهنیت پروردگار را این گونه بیان کرد: «نام این دختر را زینب بگذارید که این نام را در لوح

زینب حضرت ارباب به دنیا آمد

با خبر کرد نبی بری دنیا را
مطلاطم شده دیدند دل دیار را
کل سرخی کمی از قطره ی شبنم می زد
مست می کرد زبوی نفس صحرار
چه صفایی چه هوایی چه دلی داشت زمین
شور می داد ز حال خوش خود بلار
چشمهایی بر روی چشم و گرد و اشد و بعد
دل مجنون کسی بود، دل یلار
بین آغوش برادر، چقدر آرام است
چقدر ناز بودست، دل یلار
گویا باد و کر حضرت بنم برید
عکسی از مله رخ کوکی زهرار
زینت خلای مستاب، به دنیا آمد
زینب حضرت ارباب به دنیا آمد
چهره اش منکس از طلعت روی زهر است
عشق بازیش از آن حال و هویش پیدا است
حضرت زینب کبری خودش اقیانوس است
کر چه چشمان پر از کوه و دریا است
اگر عباس علیه صفت کرب و بلا است
از ازل تا به ابد پرجم زینب بلا است
ملای کرد برای سه لاش زینب
پس ولایت به پرستد او پابرجاست
سوره ی مریم قرآن نمی از تفسیرش
وسعت روح بزرگش چقدر ناپیدا است
بهترین خوترین خواهر دنیا آمد
حضرت فاطمه ی دیگر دنیا آمد



بی ارزشترین دانش
، آنچه که
بر سر زبان است،
و برترین علم،
آنچه در اعضا و
جوارح آشکار است

علم و دانش

«رَبِّ الْعَالَمِ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَ عِلْمُهُ مَعَهُ لَا يَنْفَعُهُ»

بسا عالمی که جهلش او را کشت و با این که علمش با او بود، ولی

سودی به حالش نکرد» ۴

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عِبْدًا، حَقْرَ عَلَيْهِ الْعِلْمَ»

هرگاه خداوند بنده ای را پست شمرد، او را از دانش محروم می کند» ۵

آنگاه سرگردان و حیران با قلبی محزون نوای واحسرتا برآوریم.

«إِنَّ الْعَالِمَ الْعَامِلَ بِغَيْرِ عِلْمِهِ، كَالْجَاهِلِ الْحَاثِرِ الَّذِي لَا يَسْتَفِيقُ مِنْ جَهْلِهِ»

بل الحجة علیه اعظم، و الحسرة له ألزم، و هو عند الله ألوم.

عالمی که به دانش خود عمل نکند، مانند جاهل سرگردانی است که از

نادانی اش بیدار نمی شود؛ بلکه حجت و برهان علیه او بزرگ تر و

حسرت و اندوه او پیوسته تر است و اوست که نزد خدا از همه بیشتر

سرزنش می شود» ۶

«وَأَخْرَجَ قَدْ تَسَمَّى عَالِمًا وَ لَيْسَ بِهِ» فَالْصُّورَةُ صُورَةُ إِنْسَانٍ، وَ الْقَلْبُ قَلْبُ

حَيَوَانَ، لَا يَعْرِفُ يَابَ الْهَدْيِ فَيَتَّبِعُهُ، وَ لَا يَابَ الْعَمَى فَيَصُدُّ عَنْهُ وَ ذَلِكَ

مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ.

(در مقابل بنده ای از بندگان خدا)، بنده دیگری است که عالم نامیده

می شود، اما عالم نیست، پس چهره چنین کسی چهره انسان، اما قلب

او، قلب حیوان است. نه راه رسیدن به هدایت را می شناسد تا به دنبال

او برود و نه راه رسیدن به گمراهی را می داند تا از آن روی برگرداند،

پس اتسائی با این صفات، مرده ای است در میان زندگان» ۷

اما اگر از آن چشمه زلال حتی قطره ای نصیبمان شد و آنچه یافتیم و

خواندیم در روح و جثمان اثر گذاشت و پا از دنیای جهل بیرون

گذاشتیم و به این مرحله از قول مولی رسیدیم که می فرمایند:

«مَنْ أَبْصَرَ فَهَيْمَ، وَ مَنْ فَهَمَ عِلْمَ، هَرُ كَهْ خُوبَ بَنُكَرْدَ، حَقِّ رَافَهْمِيدَ، وَ هَرُ

كَهْ حَقِّ رَافَهْمِيدَ، دَانَشْمَنْدَ گَرْدِيدَ» ۸

«لَا تَجْعَلُوا عِلْمَكُمْ جَهْلًا، وَ يَقِينَكُمْ شَكًّا، إِذَا عِلْمُكُمْ قَاعَمَلُوا، وَ إِذَا تَيَقَّنْتُمْ

فَأَقْدَمُوا»

دانش خود را نادانی و یقینتان را شک قرار ندهید، هرگاه دانستید، به

دنبال عمل باشید و چون یقین پیدا کردید، اقدام نمایید» ۹

و در اینجا است که زلال کلام مولی (ع) ما را سیراب و مشتاق حرکتی

دوستان علاقه مند به نهج البلاغه، شروع نیم سال دوم یعنی آغاز

حرکتی دیگر و فصلی جدید از فصول زیبای زندگی علمی همان

طور که هر فصلی زیبایی های خالص خودش را دارد، به شرطی

که ما آن زیبایی ها را درک کنیم و برای درک هر چیزی یک

چشم بینا و یک مغز پویا و یک احساس قوی نیاز است و اگر این

سه را در حیات علمی بدست آوریم، آن وقت است که می توانیم با

چشمائی باز، زیبایی های هر فصل و نیمسال را درک کنیم. برای

کسب این درک از چشمه زلال (قرآن و اخذ القرآن) یعنی نهج

البلاغه باید دائماً بنویسیم، اکنون این شما و این چشمه زلال نهج

البلاغه بسم الله.....

دستهایت را پر از آب کرده و صورتت را با آبش جلا بده

«الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عِلِمٌ عَمِلٌ؛ وَ الْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ

أَجْلَبَهُ وَ الْآرَاحِلَ عَنْهُ»

دانش در کنار عمل است، پس هر کس بداند عمل می کند و علم

عمل را می خواند، پس اگر اجابت کرد (علم) بماند و گرنه کوچ کند

و برود» ۱

چقدر زیبایی شوی هنگامی که به دانسته ات عمل می کنی، هم

اکنون اگر به راه نگاه کنی، چقدر مسیر را روشن می بینی.

«الْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ، فَلْيَنْظُرْ نَافِظًا سَائِرًا هُوَ أَمَّ

رَاجِعٌ»

آن که از روی آگاهی و علم عمل می کند، مانند رهروی است که

در جاده روشن قدم برمی دارد، پس باید بنگرد که به پیش می رود

یا به عقب برمی گردد» ۲

و خدا نکند که آنچه از غسل، وضو و حدیث و برائت و استصحاب

و اخلاق و خداشناسی و... و هر آنچه خوانده ایم در همان

کتابها ۱۱۱۱۱۱ و نوشته ها ۱۱۱۱۱۱ باقی بماند که مولا می

فرماید: «أَوْضَعَ الْعِلْمَ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ، وَ أَرْفَعَهُ مَا ظَهَرَ فِي

الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ»

پست ترین دانش آن است که تنها بر سر زبان است و بالاترین

دانش آن است که در اعضای بدن انسان آشکار گردد» ۳

و در صورتی که در پای آب زلال علم و معرفت رفتیم و لب تشنه

باز گشتیم لا جرم باید برای از دست دادن آنچه که از دست داده

ایم (سرمایه عمر) و در قبالتش فقط کاغذ پاره ای بدست آوریم که

در آن نوشته بود: نحو عالی ۲۰، صرف ۱۹، اخلاق ۲۰، باید برای

خودمان فاتحه ای پر سوز و گداز بخوانیم.

در نهج البلاغه

دوباره در فصل جدید می‌کند، و در می‌یابیم که:

۱. یا کَمیل معرفة العلم دین یدان به، به یکسب الانسان الطاعة فی حیاته، و جمیل الاحدوثه بعد وفاته.

ای کَمیل! آشنایی با علم دینی است که انسان، به آن جزا داده می‌شود به وسیله دانش انسان در دوران حیاتش طاعت و بندگی خدا را به دست می‌آورد، و پس از مرگش ذکر خیری به جا گذارد. ۱۰

۲. «لیس الخیر أن یکثر مالک و ولدک، ولكن الخیر أن یکثر علمک و أن یعظم حلمک، و أن تباهی الناس بعبادته ریک.

خیر آن نیست که دارایی و فرزندان زیاد شود؛ بلکه خیر آن است که علمت افزون و حلم و بردباری ات بزرگ گردد و بتوانی در میان مردم به پرستش پروردگارت مباحثات کنی. ۱۱

۳. «لا یستحین أحد منکم اذا سئل عما لا یعلم، أن یقول لا أعلم و لا یستحین أحد اذا لم یعلم الشئ أن یتعلمه.

از سفارشات امام (ع) هیچ یک از شما نباید در برابر پرسش از چیزی که نمی‌داند شرم کند که بگوید من نمی‌دانم، و نباید کسی که چیزی را نمی‌داند شرم کند از این که آن را بیاموزد. ۱۲

۴. «یا کَمیل العلم خیر من المال، العلم یحرسک و أنت تحرس المال، و المال تنقصه النفاق، و العلم یزکو علی الاتفاق، و صنیع المال یزول بزواله، ای کَمیل! دانش بهتر از مال است؛ زیرا دانش تو را حفظ می‌کند، در حالی که تو باید مال را حفظ کنی، مال به خرج کردن، کاهش می‌یابد ولی دانش با صرف کردن افزوده می‌شود، و آن که ساخته مال است با زوال مال از بین می‌رود. ۱۳

۵. منهومان لا یسبعان: طالب علم و طالب دنیا.

دو گرسنه اند که سیر نمی‌شوند طالب علم و طالب دنیا. ۱۴

۶. الحکمة ضالة المؤمن، فخذ الحکمة و لو من اهل النفاق حکمت، گمشده مؤمن است، پس آن را به دست آور، هر چند از اهل نفاق باشد. ۱۵

۷. أعلم أن الراسخین فی العلم هم الذین أغناهم عن إفتحام السدد المضروبة دون الغیوب، الاقرار بجملة ما جهلوا تفسیره من الغیب المحجوب، فمدح الله تعالی اعترافهم بالعجز عن تناول ما لم یحیطوا

به علماً، و سَمی تر کَهم التعمق فیما لم یکنفهم البحث عن کُنْهه رُسوخاً

بدان که انسان های راسخ در علم کسانی هستند که اقرار به همه غیب های پوشیده، آنان را از تجاوز از سدها و حدودی که میان آنان و حقایق غیبی زده شده بی نیاز ساخته است، پس خداوند تعالی آنان را به جهت اعتراف به نادانی خود از وصول به آنچه احاطه علمی ندارند مدح فرموده و چشم پوشیدن و رها ساختن تعمق در آنچه را که خداوند آنان را به بحث از حقیقت آنان تکلیف نغرموده است رسوخ نامیده است. ۱۶

۸. العالم من عرف قدره و کفی بالمرء جهلاً الا یعرف قدره

عالم کسی است که قدر و منزلت خود را بشناسد و آدمی را همین نادانی بس که منزلتش را نشناسد. ۱۷

پس دستمان را بر آستان کریم بالا بیاوریم و با قلبی پر از عشق و اشتیاق فریاد بر آوریم، خدایا!!!!!! تو را شکر که نیم سالی دیگر و فرصتی دوووووووووباره به ما دادی.

پی نوشت:

۱. حکمت ۳۶۶

۲. خطبه ۱۵۴

۳. حکمت ۹۲

۴. حکمت ۱۰۷

۵. حکمت ۲۸۸

۶. خطبه ۱۱۰

۷. خطبه ۸۷

۸. حکمت ۲۰۸

۹. حکمت ۲۷۴

۱۰. حکمت ۱۴۷

۱۱. حکمت ۹۴

۱۲. حکمت ۸۲

۱۳. حکمت ۱۴۷

۱۴. حکمت ۴۵۷

۱۵. حکمت ۸۰

۱۶. خطبه ۹۱

۱۷. خطبه ۱۰۳

عزیزی، عباس نهج البلاغه موضوعی
معصومی، زهرا





رنگ درهائی و خواص رنگ‌ها در

کلام ائمه (علیهم السلام)

در بیان دیگری از اهل بیت (ع) درباره خواص رنگ‌ها و تأثیرات آن امام صادق (ع) می‌فرماید: کمترین حد آسراف، استفاده بی‌جا (در حال عادی و کار) از لباس رسمی است که برای حفظ آبروست؛ همچنین می‌فرماید: پوشیدن کفش سیاه و نعلین زرد سنت است و نیز می‌فرماید: هر کس کفش زرد بپوشد پیش از آنکه کهنه شود سودی عایدش شود.

و درباره تأثیر رنگ سبز بر بدن و ایجاد نشاط و آرامش در روایتی از امام رضا (ع) نقل شده که فرمود: «الطیب نشرة والعسل نشرة، والرکوب نشرة والنظر الی الخضرة نشرة» یعنی: بوی خوش، عسل، سوارکاری و نگاه به

مناظر سرسبز و خرم، باعث نشاط و شادی می‌شود. ۳

امروزه نیز از رنگ سبز برای درمان بیماری‌های عصبی و اختلالات روانی استفاده می‌شود و دانشمندان آن را خنک کننده، تعدیل کننده نورخورشید مسکن و هیپنوتیک توصیف کرده‌اند. رنگ سبز، در سیستم عصبی برای بی‌خوابی‌ها و خستگی‌ها موثر است فشارخون را کم می‌کند و مویرگ‌ها را منبسط می‌سازد. ۴ پیامبر گرامی اسلام (ص) از لباس سبزخوششان می‌آمده و فرموده‌اند: «وکان یعجبه الثیاب الخضرة» ۵

رنگ سفید، روشن‌ترین رنگ‌ها و نمادی از شادی و نشانه‌ای از صلح و صفا و تسلیم و کنایه از پاکی و بی‌آلایشی و فضیلت و بزرگواری است و رنگ سیاه، تیره‌ترین رنگ‌ها و درمقابل رنگ سفید نشانه هیبت و وقار و شعارحزن و عزا می‌باشد. ۶ حتی درآیاتی از قرآن سیاهی و سپیدی چهره انسان‌ها در قیامت هم علامت است. امام باقر (ع) نیز می‌فرمایند: هر بنده‌ای در دلش نقطه سفیدی است که چون گناهی کند؛ خال سیاهی در آن پیدا می‌شود؛ سپس اگر توبه کند آن سیاهی برود و اگر به گناه ادامه دهد به آن سیاهی اضافه شود تا جایی که روی سفیدی را بپوشاند و وقتی روی سفیدی پوشیده شده دیگر هرگز صاحب آن دل به سمت خیر نمی‌رود. ۷ در روایات هم داریم که چون هفت روز از ولادت امام حسن (ع) سپری شد، پیامبر (ص)، دو گوسفند اَبْلَق (مَعْرَبُ الْبَلَك، هر چیز دو رنگ خصوصاً سیاه و سفید) برای امام حسن (ع) عقیقه کردند.

رنگ‌هایی توانند از راه‌های گوناگونی بر روح، جسم و روان آدمی تأثیر بگذارند. رنگ لباس، رنگ غذا، رنگ کفش، رنگ مناظر طبیعت و... از این جمله‌اند که در طب اسلامی به آنها اشاره شده است.

حقیقت آن است که دانش روز برای رنگ درمانی حساب ویژه‌ای باز کرده است. موضوعی که در طب اسلامی مسبوق به سابقه بوده و ائمه (علیهم السلام) خواص متفاوتی برای رنگ‌ها ذکر کرده‌اند. در طب اسلامی اعتقاد بر این است که هر یک از رنگ‌ها دارای طیفی خاص است که با ردیفی از طول موج‌ها ارتباط دارد. در آیات و روایات توصیه‌هایی در به کارگیری صحیح از آنها آمده است.

رنگ لباس کودک و نوزاد در فرهنگ اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است. در این زمینه در روایات آمده است که پیامبر (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) به ویژه در آغاز تولد به نوع لباس کودک، اهمیت فراوان می‌دادند.

تأکید بر پوشاندن لباس سفید بر کودک و نهی از پوشاندن لباس زرد بر او، در سیره، حکایت از اهمیت و تأثیر رنگ لباس بر کودک دارد. زید بن علی از پدرش امام سجاد (ع) نقل می‌کند که: لما ولدت فاطمة (س) الحسن (ع) أخرج الی رسول الله (ص) فی خرقه صفراء فقال (ص) ألم أنهکم أن تلقوه فی خرقه صفراء ثم رمی بها و أخذ خرقه بیضاء فلفه فیها؛ زمانی که حضرت فاطمه (س) امام حسن (ع) را به دنیا آورد، اطرافیان، او را در پارچه زردی پیچیدند و نزد رسول الله (ص) آوردند. پیامبر (ص) فرمود: مگر شما را از پوشاندن پارچه زرد بر نوزاد منع نکرده بودم؟ سپس پارچه زرد را به دور افکند و پارچه سفیدی بر او پوشاند. ۱

در تایید این مطلب در روایتی از مادر امام رضا (ع) آمده است که فرمود: لما ولد الرضا (ع) ناولته موسی (ع) فی خرقه بیضاء؛ وقتی [امام] رضا (ع) به دنیا آمد، او را در پارچه سفیدی پیچیدم و به امام کاظم (ع) دادم. ۲

از این رو، رنگ پوشش نوزاد در سیره معصومان (علیهم السلام) مهم دانسته شده و اصرار بر این است که رنگ لباس نوزاد سفید باشد، نه زرد.



راز تلخ بودن گوش ها، شیرینی لب، شوری چشم، رطوبت و سردی بینی

امام صادق (ع) می فرمایند:

خدایوند به این خاطر گوش ها را تلخ نمود که هیچ جنبنده ای در آن داخل نمی شود مگر آنکه می میرد و اگر چنین نبود حشرات انسان را می کشتند و خدایوند مهربان لب ها را شیرین قرار داد تا بشر طعم شیرینی و تلخی را حس کند. چشم ها را شور گردانید، به خاطر اینکه چشم ها پیه بوده و اگر ماده شور در آن نباشد، آب می شود. در بینی رطوبت روان دارد، به خاطر اینکه این رطوبت نمی بود، مغز سخت و سفت می شد و کرم می گذاشت.

علل الشرایع

پی نوشت ها:

۱. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۴، ص ۱۰۹
۲. حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۱۳۸
۳. عیون اخبار الرضا باب ۳۱/ حدیث ۱۲۶
۴. دایره المعارف تشیع، ج ۹، ص ۵۸
۵. ترجمه المیزان، ج ۱۷، ص ۶۲
۶. دایره المعارف تشیع، ج ۹، ص ۱۹۳ و ۴۵۱
۷. اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۳۷۵



باید و نبایدهای زمستان

فاطمه هادیزاده

سبزی های تند مانند پیازچه، تره، شاهی و ترخون را می توان در فصل زمستان بیش تر مصرف کرد.

بهتر است همراه غذا ماست، سالاد و ترشی مصرف نشود ولی سبزی ها را می توان خورد چون به هضم غذا کمک می کنند. اگر قرار است سالاد یا ماست خورده شود توصیه می شود با فاصله از غذا مصرف شود.

ماست را با پونه یا با مربای زنجبیل میل کنید.

پنیر در وعده صبح اصلاً توصیه نمی شود و بهتر است در وعده شب مصرف شود. پنیر طبعی سرد دارد و فرد را دچار رخوت می کند. اگر در روزهای سرد مصرف شود ممکن است فرد را مستعد سرماخوردگی کند. در شب این رخوت مطلوب است چون فرد قصد خواب دارد. توصیه می شود پنیر با گردو و آویشن مصرف شود.

خوردن ترشی ها اصلاً توصیه نمی شود، در نهایت می توانید ترشی سیر را به میزان کم مصرف کنید. سیر مزاج گرم دارد و ترشی انداختن با آن طبعش را سرد می کند اما به دلیل گرمی که دارد نسبت به دیگر ترشی ها راجحیت دارد.

در فصول سرد سال، افراد میل کمتری به نوشیدن آب یا مایعات خنک دارند و میزان مصرف نوشیدنی های گرم مثل چای، قهوه و شیر بیشتر می شود.

در این فصل آفتاب از سمت الراس به غایت دور شده و لذا هوا سرد و بارش باران زیاد هوا مرطوب است. با توجه به اینکه فصل زمستان تقریباً عکس تابستان است، تغذیه آن هم عکس تغذیه در تابستان است؛ یعنی در زمستان غذایی باید میل شود که گرمی می بخشد و نباید از غذاهایی مانند دانه ها و سبزی ها که به لحاظ مواد غذایی ضعیف هستند، استفاده کرد.

غذای زمستانی باید دارای ارزش غذایی بیشتری باشد. به علت هوای سرد در زمستان، بدن باید فعالیت زیادی داشته باشد و غذای زیادی به آن برسد. اگر زمستان جنوبی باشد، باید ورزش زیاد انجام گیرد و غذا کمتر خورده شود. نان گندم زمستانی باید قوی تر و پر مغز تر از نان گندم تابستان باشد؛ همچنین گوشت ها و غذاهای سرخ شده و امثال آن ها. سبزی هایی مانند خرفه و کاسنی برای زمستان نباید مصرف شود و به جای آن سبزی هایی همچون کلم و گل کلم و چغندر و کرفس جایگزین شود.

در فصل زمستان حرارت در بدن زیاد و قوی تر است؛ از این رو هضم غذا آسان تر است. پس مناسب است که غذا از نظر کمیت و مقدار زیادت و غلیظ تر باشد. چون در فصل زمستان غلبه با برودت و رطوبت است، مناسب است جمیع تدابیر، مایل به گرمی و خشکی باشد تا تعادل برقرار شود.



بوی دهان

راه های زیادی برای رفع بوی بد دهان وجود دارد. اما به احادیث و روایت هایی از اهل بیت (ع) در این خصوص اشاره می کنیم

حنا گذاشتن

امام صادق (ع): حنا مالیدن، بوی بد را می برد و آبرو را زیاد می کند و دهان را خوشبو می کند و فرزندان را نیکو می کند. و هر که بعد از دارو سر تا پا حنا بمالد فقر و پریشانی از او بر طرف می شود.



آویشن و نمک

امام صادق (ع) همچنین فرمود: «چهار چیز است که دیده را جلا می دهد و سود دارد و زیانی نمی آورد. در پاره آن ها از او پرسیدند، فرمود: «آویشن و نمک که چون در بر هم قرار گیرند، با دها را از دل برون می رانند، انسداد را می گشایند، بلغم را می سوزانند آب را در بدن به جریان در می آورند، بوی دهان را خوش می سازند، معده را ترمی می دهند، بوهای بد را از دهان می برند».



آنچه بوی دهان را بد می کند

حضرت رسول (ص): مسواک کردن در بیت الخلا (توالت) موجب بدبویی دهان است

آنچه ارزش بوی خوش دهان را زیاد می کند

امام صادق (ع): چون به نماز شب برخیزی مسواک بکن که ملکی می آید و دهان خود را بر دهان تو می گذارد و هر چه از قرآن و دعا و ذکر که می خوانی به آسمان می برد پس باید که دهان تو خوشبو باشد.

آیت الله تبریزیان

انجیر

امام رضا (ع) فرمودند: انجیر، بوی بد دهان را از بین می برد و استخوان ها را محکم می کند و مریضی را از بدن دفع می کند تا جایی که با انجیر نیاز به هیچ دارویی نیست.



مویز

امام علی (ع) فرمودند: مویز، قلب را تقویت، مریضی را برطرف، حرارت را خاموش و بدن را خوشبو می کند.



خلال دندان

امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا همیشه از خلال دندان استفاده می کرد، چون دهان را پاکیزه و خوشبو می کند.

گیاه سَعْد "مشک زمین"

امام صادق (ع) فرمودند: برای "خلال" دندان هایتان از سَعْد نوعی گیاه خوش بود است که در فارسی مشک زمین نام دارد" استفاده کنید چون دهان را پاکیزه و خوشبو می کند.

پنیر

امام صادق (ع): «چه نیکو لقمه ای است پنیر! دهان را تر و تازه می کند، بوی دهان را خوش می سازد، غذای پیشین را هضم می کند و غذا را مطبوع می سازد»

کندر

امیرالمومنین (ع) نیز در حدیثی می فرمایند: "جویدن گَنْدَر، دندان ها را استحکام می دهد، بلغم را می راند و بوی بد دهان را می برد"





حفاظت از معجزه الهی روح الله

نسخه دهقان

افسران جوان جنگ نرم چگونه می توانند از معجزه الهی امام خمینی (ره) حفاظت کنند؟

«آدم‌های بزرگی در تاریخ بودند که آدم دلش می‌خواست این‌ها را می‌دید مثلاً علامه حلی، شیخ بهایی... امام از همه‌ی اینها بالاتر بود با آن کارهایی که کرده بود.»

اما پدیده‌ی معجزه‌گونه و کارِ کارستان امام خمینی (ره) که به واسطه‌ی این نعمت «اگر همه‌ی ملت ایران تا آخر عمرشان خدا را شکر کنند... جا دارد؛ هر چه درباره‌اش فداکاری کنند جا دارد.»^۱ چیست؟

معجزه‌ی اسلام مقتدر یعنی نظام‌سازی بر اساس اسلام و ایجاد اقتدار اسلامی، برای اولین بار پس از صدر اسلام با انقلاب اسلامی صورت گرفت؛ «بعد از دوران صدر اسلام، اولین باری است که اسلام صحیح ناب متکی به قرآن و حدیث در عالم واقع، دارد تحقق پیدا می‌کند. اسلام سیاسی یعنی اسلامی که سیاست اداری جامعه را و مدیریت جامعه را برعهده می‌گیرد؛ یعنی اسلام می‌شود مدیر جامعه»^۲ و علت اصلی همه‌ی دشمنی‌ها با آن نیز همین پافشاری و مقاومت متکی بر اصل «لا تَظْلِمُونَ و لا تَظْلَمُونَ» و عدم تبعیت از جبهه‌ی کفر است؛ و به همین خاطر است که «آنچه استکبار را از جمهوری اسلامی به شدت غضبناک می‌کند، مسلمان بودن مردم ایران نیست»^۳

دلیل عصبانیت جبهه شیاطین

اتفاقاً آنها با اسلام سکولار و منزوی که «مردم را به یک عبادتی، به یک چیزی گوشه‌ی مسجد یا گوشه‌ی خانه‌ها فرامی‌خواند»^۴ مشکلی ندارند؛ دلیل عصبانیت جبهه‌ی شیاطین با ملت ایران آن است که مردم «به‌خاطر این مسلمان بودن، حاضر نیستند زیر بار استکبار بروند؛ حاضر نیستند تبعیت کنند... سعی می‌کنند این را زیر پوشش‌هایی بیوشانند اما واقعیت قضیه این است. مسئله‌ی هسته‌ای بهانه بود، حتی مسئله‌ی موشک‌ها... بهانه است؛ مسئله‌ی حقوق بشر، مسائل گوناگون دیگر، همه بهانه است. مسئله، عدم تبعیت است»^۵ و واقعیت آن است که «دشمن از اسلام مقتدر می‌ترسد، دشمن از اسلام شجاع می‌ترسد»^۶



اسلام چه زمانی می تواند مقتدر باشد

اما اسلام چه زمانی خواهد توانست مقتدر باشد و در مقابل جبهه‌ی کفر بایستد و آن را قلع و قمع کند؟ زمانی که «دارای نظم باشد، دارای دولت باشد، دارای نیروی نظامی باشد، دارای رسانه باشد، دارای سیاست باشد، دارای اقتصاد باشد، ابزارهای فراوان در اختیار او باشد؛ اسلامی که توانسته نظام‌سازی کند و حکومت‌سازی کند، این اسلام می‌تواند مقاومت کند، و آلا یک شخص و لو مسلمان برجسته‌ای باشد، یا جریان اسلامی مثل جریان‌هایی که در دنیا هستند، اگر به سمت هدف حکومت پیش نروند، هیچ خطری برای استکبار ندارند.»^۷

بد آمریکا
مرگ

جهاد کبیر برای اقتدار کشور

اما راه خنثی کردن فاز سوم حمله دشمن و حفظ انقلاب اسلامی که از ایجاد آن دشوارتر است چیست؟ «اینجا، جای همان جهاد کبیر است. جهاد برای عدم تبعیت، برای عدم دنباله‌روی از دشمن. در یک جمله، ما باید کشور را از اقتدار برخوردار کنیم؛ کشور باید قوی بشود، راه بقای

انقلاب، راه پیشرفت انقلاب و راه تحقق هدف‌های

انقلاب، به معنای وسیع کلمه، عبارت است از:

اینکه ما کشور را مقتدر کنیم»^{۱۱} اگر کشور

با جهاد کبیر و مقاومت و عدم تبعیت از دشمن،

مقتدر و قوی شد، آنگاه حتی «از استکبار هم می

شود امتیاز گرفت»^{۱۲} و همچنین که در سایه نشان

دادن اقتدار در هسته‌ای با غنی‌سازی ۲۰ درصد، با

تولید ۱۹ هزار سانتریفیوژ نسل اول و تولید سانتریفیوژهای

نسل دوم، سوم و چهارم و با ایجاد کارخانه تولید آب سنگین، از

دشمن امتیاز گرفتیم، در اقتصاد نیز «اگر ما قوی شدیم و قدرتمند

شدیم، دیگر تحریم معنی ندارد و تحریم یک کار زائدی می‌شود؛ اگر ما

در داخل توانستیم اقتدار اقتصادی به دست بیاوریم، آن‌ها خودشان

می‌آیند به دریا می‌آیند دنبال ارتباط اقتصادی؛ نه [فقط] تحریم

نمی‌کنند، بلکه اگر ما تحریم کنیم، آنها می‌آیند می‌گویند تحریم

نکنید»^{۱۳}

جنگ نرم، زمینه‌سازی تهی شدن نظام از عناصر قدرت

ملت‌ها دیدند که دشمن در مقابل اعجاز روح‌اللهی قرن ۲۱ از همان روز اول بیکار نشست؛ «اما اینجا هیچ کدام راه به جایی نبرد. هم جنگ سختشان شکست خورد، هم جنگ نرمشان»^۸ و امروز «دشمن از اینکه بتواند به نظام اسلامی ضربه‌ی اساسی وارد کند ناامید است، چون می‌داند در داخل به قدر کافی انگیزه و ایمان و صدق و آمادگی وجود دارد. اما ناامید نیستند از اینکه بتوانند نفوذ کنند»^۹ بنابراین دشمن در مرحله‌ی سوم حمله‌ی خود، جنگ نرم از نوع دیگری را در دستور کار قرار داده «در یک کلمه: تلاش در این جنگ نرم، زمینه‌سازی برای تهی شدن نظام از عناصر قدرت است. وقتی ضعیف شد، وقتی عناصر

قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش و کشاندنش به این سمت و به آن سمت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود؛ می‌خواهند او را وادار کنند به تبعیت»^{۱۰}

وظیفه افسران جوان جنگ نرم در جهاد کبیر

در این جهاد کبیر و تولید اقتدار که راه مقابله با نفوذ است، همه‌ی نیروهای مومن و انقلابی، به‌خصوص افسران جوان جنگ نرم وظیفه مهمی دارند؛ وظیفه‌ی تبیین و روشنگری، زیرا «امروز این جهاد کبیر به میزان زیادی متوقف به تبیین است... سعی کنید ذهن‌ها را با عمق‌یابی، به اعماق حقایق و مسائل برسانید.»^{۱۴} روشنگری پادزهر نفوذ و تغییر باورهای مردم و جوانان است؛ افسر جوان جنگ نرم باید «هم خودسازی کند، هم دگرسازی»^{۱۵} و اجازه ندهد نقشه‌ی دشمنان که «سعی دارند جوان ایرانی را به شکلی بار بیآورند که خودشان می‌پسندند» به ثمر بنشیند، زیرا «اگر جوان ایرانی به شکل آمریکا پسند و استکبار پسند رشد کرد، آمریکا دیگر برای پیاده کردن نقشه‌های خود در ایران خرجی و هزینه‌ای نخواهد داشت؛ این جوان خودش مثل نوکر بی‌جیره و مواجب برای آنها کار خواهد کرد»^{۱۶}

مرکز
آموزشی

ریشه جهاد کبیر در جهاد اکبر

البته جهاد کبیر و تولید اقتدار ریشه‌ی محکمی نیز در جهاد اکبر و خودسازی و قوی کردن خود از درون دارد زیرا «هر کسی که در درون خود منهزم شده در صحنه قطعاً منهزم خواهد شد. اولین شکست هر انسانی، شکست در درون خودش است که احساس کند نمی‌تواند، احساس کند فایده‌ای ندارد، احساس کند طرف خیلی قوی‌تر از او است، احساس کند من که از دستم کاری بر نمی‌آید؛ این انهزام روحی است. اگر این انهزام پیدا شد، آن وقت در صحنه قطعاً شکست خواهیم خورد. این نباید به وجود بیاید؛ مراقب باشیم که این به وجود نیاید»^{۱۷}، بنابراین جوان مؤمن و انقلابی باید «هم خود را به معنای واقعی کلمه بسازد، هم ثابت

قدم بماند»^{۱۸}

پی‌نوشت‌ها:

۱. بیانات مقام معظم رهبری (حفظه الله)، ۱۳۹۴/۰۸/۰۳
 ۲. همان، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵
 ۳. ۱۳۹۵/۰۳/۰۳
 ۴. ۱۳۹۳/۱۲/۲۱
 ۵. ۱۳۹۵/۰۳/۰۳
 ۶. ۱۳۹۵/۰۲/۲۹
 ۷. ۱۳۹۵/۰۳/۰۶
 ۸. ۱۳۹۵/۰۳/۰۶
 ۹. ۱۳۹۵/۰۳/۰۳
 ۱۰. ۱۳۹۵/۰۳/۰۶
 ۱۱. ۱۳۹۵/۰۳/۰۶
 ۱۲. ۱۳۹۵/۰۳/۰۶
 ۱۳. ۱۳۹۵/۰۳/۰۶
 ۱۴. ۱۳۹۵/۰۳/۰۶
 ۱۵. ۱۳۹۵/۰۳/۰۱
 ۱۶. ۱۳۹۵/۰۳/۰۳
 ۱۷. ۱۳۹۵/۰۳/۰۶
 ۱۸. ۱۳۹۵/۰۲/۰۱
- تشریحی خط حزب الله، شماره‌ی ۳۵.



صغری فریانی

ترموسات گفت و گو را دارید؟

ترموسات روان

هر سیستم حرارتی یک ترموسات دارد. ترموسات روان مانیز تخلیه فشارهای درونی است. برای تخلیه فشارهای درونی، باید التهاب های انباشته شده خویش را خارج کنیم. با گفت و گو و شنود می توانیم هر رنجش و دلگیری را از خود دور کنیم. به شرطی که با فنون آن و راه صحیح رفع دلخوری ها آشنایی کامل داشته باشیم. هر گفت و گویی آدایی دارد که اگر به همه نکته ها و ریزه کاری هایش توجه شود پایانی خوش به همراه خواهد داشت.

چگونه تعارض های خانوادگی را با گفت و گو برطرف کنیم؟

۱. وقت گفت و گو را کوک کن

اماغیر منطقی است که رفتار او باعث شود عشق و احترامی که نسبت به او داشته ام نیز از میان برود. بی توجهی به او به عنوان یک شخص، نه تنها غیر منطقی است بلکه بر روابط دوستانه مان نیز تأثیر سوء می گذارد.

۴. نیتتان را صابون بزنید

در آغاز گفت و گو و نیز در جریان آن هیچ گاه این نکته را فراموش نکنید که هدف و نیت شما از این صحبت، زفع مشکلات خودتان است نه غلبه بر طرف مقابل و به کرسی نشاندن حرف خود. از همین رو لازم است زن و شوهر با حسن ظن و خوش بینی با هم حرف بزنید و هیچ گاه در صدد محکوم کردن و شکست دادن طرف مقابل نباشید. اگر صداقت، رخ نشان دهد، اعتماد حضور می یابد و گفت و گو با آرامش پیش می رود بدون اینکه کسی ناراحت شود. آن وقت هر دو طرف می توانند به جای دفاع از موقعیت خودشان، بر موضوع مورد بحث تمرکز کنند.

۵. چند مثال انصاف

یکی از پیش شرط های مذاکره رعایت انصاف و منطق است. فقط شرایط و مشکلات خودتان را نبینید. سعی کنید طرف مقابل را هم درک کنید. اصلاً خودتان را جای او بگذارید. با این کار بهتر می توانید به مشکلات او پی ببرید، پس منصف باشید.

برای گفت و گو باید زمان درستی را انتخاب کنید. زمانی که هر دو طرف از هر فکر و دغدغه ای آزاد باشند و تمام توجه و تمرکزشان را به موضوع معطوف کنند. در ابتدا همسران باید بر روی این زمان مناسب توافق داشته باشند. عین بی منطقی است که انتظار داشته باشیم طرف مقابلمان همیشه در دسترس و آماده صحبت باشد.

۲. جایی همین نزدیکی

به غیر از زمان، مکان مناسب هم برای صحبت و گفت و گو بسیار اهمیت دارد.

برای رسیدن به یک نتیجه مفید نمی توانیم در هر جایی صحبت کنیم. بهترین مکان جایی است که صدای تلفن و یا بچه ها و یا دیگران تمرکز دو طرف را بر هم نزنند.

۳. در حضور احترام، گفت و گو کنید

بدون یک احترام متقابل، هیچ رابطه دوستانه و سالمی به وجود نمی آید، چرا که برای دست یابی به یک توافق واقعی، حضور احترام، ضروری است. یکی از لوازم احترام به یکدیگر آن است که همیشه در حین بحث و گفت و گو، بین موضوع مورد بحث و شخصی که با او بحث کنیم، تفاوت قائل شویم. باید بیاموزیم که رفتار شخص را طرد کنیم نه خود او را. اگر همسر من حرفی بزند یا کاری انجام دهد که باعث آزار و اذیت می شود، کاملاً منطقی است که از رفتارش ناراحت و دلخور شویم.



یک نکته بگویم به تحقیق بنج کر عاقل و کاللی مر بنجان و مرنج

۶. اسرار مگور را به کسی نگو

پیش از صحبت با همسر، هرگز موضوع را با دیگران (مثلاً خواهر، مادر و ...) مطرح نکنید. چرا که ممکن است از سر دلسوزی و ناخواسته در زندگی شما دخالت کنند و یا با راهنمایی های غلط خود، مشکل را بیش از حد بزرگ جلوه دهند و شما را به تصمیم گیری های عجولانه و نپخته ای وادارند.

۷. مچ گیری ممنوع

سعی کنید از نکات مثبت کارهای اخیر همسر یا آنچه از او پسندیده اید ذکری به میان آورید. تا فضای مذاکره صمیمی شود. انتقادهای بی در پی، مچ گیری های دائمی و محکوم کردن های معمول، روحیه طرف را خراب می کند. نخواهید به او ثابت کنید که همیشه اشتباه کرده است و شما بخشیده بوده اید از راه تشویق بهتر می توانید در دیگران تغییر مثبت به وجود آورید.

۸. مثل عقرب نیش نزنید

ضمن حل مسائل سعی کنید حرف هایتان را با زخم زبان، کنایه و تحقیر و تمسخر و تخطئه بیان نکنید. زیرا وضع از آنچه هست بدتر می شود. یک گفتگوی خوب، از تهدید و توهین به دور است. یعنی شخصیت همسرتان را در هم نشکنید. او را زیر سؤال نبرید و نخواهید ضعف، ناتوانی و بی عرضگی او را ثابت کنید.

۹. با دنده لجبازی و یک دندگی نرانید

از یک دندگی و لجبازی پرهیزید. بر هر چیزی هر چند درست یا فشاری نکنید. اگر موضوعی در آن جلسه حل نشد، گفتگو را به جلسه بعد موکول کنید.

۱۰. عطر صمیمیت بزنید

با لحنی دوستانه و مهربانه صحبت کنید. تمام مدت گفتگو مواظب باشید خشمگین نشوید. عصبانیت نه تنها شما را شخصی بی منطق و غیر منصف جلوه می دهد، بلکه مانعی بر سر راه خواسته هایتان فراهم می سازد. هم چنین اگر احساس کردید که طرف صحبت شما خشمگین است به او فرصت دهید این انرژی مخرب را تخلیه کند و همه حرف هایش را بزند و به آرامش برسد. پس از ایجاد فضایی آرام، گفتگو روند واقعی خود را پیدا می کند.

۱۱. پا برهنه وسط حرف او نپرسید

در هنگام صحبت کردن همسرتان سراپا گوش باشید. فرصت دهید تا اظهار نظر کند. با این رفتار تان ثابت می کنید که او نیز حق دارد هر چه می خواهد بگوید، از طرفی همسر شما با حرف زدن تخلیه روانی می شود، وقتی گفته هایش تمام شد، آرامش و حتی راحتی زیادی احساس خواهد کرد و پیش خود خواهد گفت من هم حرفم را زدم، به این ترتیب امکان آشتی و رسیدن به تفاهم مطلق فراهم می شود.

نکته

زن و شوهری که در زندگی خلوت گفت و گو دارند، مشکلات کمتری خواهند داشت

کسانی که ۵ دقیقه صحبت می کنند و دقیقه ۶ با هم دعوا می کنند هوش کلامی خوبی ندارند.

با کلام خود حل مسأله کنید نه اینکه ایجاد مسأله و مشکل





نویسنده‌گی اسرار

شاید هر یک از ما در ذهن خود ایده‌هایی برای نگارش داشته باشیم ولی وقتی سخن از به رشته سخن در آوردن این افکار و کتابت آنها می‌رسد، پشتمان می‌لرزد و با خود می‌گوییم: من و نویسنده‌گی؟!

اما نه، آن قدرها دشوار نیست، کافی است راه و رسم آن را فرا گیرید...

از بازنویسی یا به عبارت دیگر، دوباره نوشتن واهمه نکنید و کارتان را به کسی که به قضاوتش اعتماد دارید، بسپارید تا بخواند. سپس بپرسید که لولا تحت تأثیر قرار گرفته یا نه؟ و آیا نوشته شما ارزش ارائه به دیگران را دارد یا خیر؟

سعی کنید در ابتدا، چیزهایی که می‌نویسید، درباره زندگی آدم‌های پیرامونتان باشد قدرت مشاهده خودتان را از دنیای اطرافتان تقویت کنید. یاد بگیرید درست ببینید و چیزهایی را ببینید که دیگران نمی‌بینند ضمناً این را هم بدانید که برای نویسنده شدن، هیچ وقت دیر نیست.

نوشتن را بی‌وقفه ادامه دهید. به همایش نویسندگان بروید و بدانید که خوب خواندن، بهترین و شاید تنهاترین راه خوب نوشتن باشد. نوشتن یادداشت‌های روزانه در تقویت نوشتن بسیار مهم است. اوایل گزارش‌نویسی و مقاله‌نویسی را تجربه کنید و از کسلی نباشید که تنها از نویسنده شدن حرف می‌زنند. واقعاً در راستای نویسنده‌گی تلاش کنید. نوشتن، خواندن و اندیشیدن از مهم‌ترین نیازهای نویسنده‌گی است.

پی‌نوشت

pooyesh.whcir

والایی انسان به اندیشه اوست و اندیشه با کلام و کلمه موجودیت می‌یابد. پس برای خلق اندیشه باید نوشت، اما چیزی را بنویسید که خودتان دوست دارید آن را بخوانید. واقع‌گرا باشید و بدانید که نویسنده‌گی تجارت راحت و پرسودی نیست. لولاً باید به تنهایی انجام شود. ثانیاً نیاز به کار سخت و طاقت‌فرسا دارد. ثالثاً بازده سریعی ندارد و باید منتظر نتیجه آن ماند. اگر می‌خواهید نویسنده شوید به هیچ کس اجازه ندهید ناامیدتان کند. برای داستان‌هایی که می‌نویسید، طرح کلی نریزید؛ یعنی اتفاقات داستانی را از قبل طراحی نکنید. نوشتن، ما را وارد دنیای پر رمز و راز و ناشناخته می‌کند. باید به ضمیر ناخودآگاهتان اعتماد کنید و به شخصیت‌های داستانی‌تان تا خودشان، داستان را به جایی که می‌رود، هدایت کنند.

یاد بگیرید ذوق و قریحه خودتان را بشناسید و آن را به فعلیت در آورید. بدانید اولین اصل در نویسنده‌گی این است که چیزی را بنویسید که دلتان می‌خواهد آن را بخوانید و لذت ببرید. اگر چیزی که می‌نویسید، برای خودتان جالب نباشد و سرگرم‌تان نکند، قطعاً برای هیچ کس دیگر جالب و سرگرم‌کننده نخواهد بود.

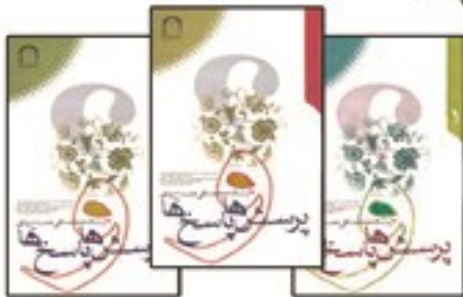
معرفی کتاب

حمیده رهبر



کتاب پرسش‌ها و پاسخ‌ها / آیت‌الله مصباح یزدی

مجموعه چندجلدی پرسش‌ها و پاسخ‌ها بسیاری از سوالات و شبهات راجع به انقلاب اسلامی، اصل ولایت فقیه، مسائل مربوط به حکومت اسلامی، نظارت استصوابی، جایگاه مجلس خبرگان و شورای نگهبان را بیان و پاسخ آنها را از زبان آیت‌الله مصباح یزدی بیان می‌کند.



کتاب بوستان حجاب

نویسنده این کتاب آقای محمد رحمتی شهرضا و انتشارات جوانان موفق که در ۱۶۰ صفحه به چاپ رسیده است.

مجموعه داستان‌ها، روایات‌ها و مسایل شرعی پیرامون موضوع «حجاب» است. نویسنده در این اثر تعداد ۱۱۰ داستان، ۱۱۰ روایت و ۱۱۰ مسأله شرعی درباره حجاب را در قالب سه فصل جداگانه با نام‌های در بوستان حجاب، بر آسمان وحی و در محضر مراجع گردآوری و آرایه کرده است. پوشیدگی حضرت موسی، حجاب و تورات، حجاب حضرت خدیجه (س)، پوشیدگی زنان انصار، سیره حضرت زینب (س)، سیره شهید مطهری (ره) و چادر زهرا (س) عناوین برخی از داستان‌ها و ایمان و حیا بهترین مسجد، احاطه شیطان، تعهد پیامبر (ص)، مقدار حجاب و موهای آرایش کرده عناوین بعضی از روایات‌های مطرح شده در این نوشتار هستند.



کتاب نشان از بی نشان‌ها

بر ضمیر اهل بصیرت و سالکان راه حقیقت، آشکار است که بعد از کلام الهی و سخنان پیامبران گرامی حق و ائمه اطهار (علیهم السلام)، که شفابخش دلهای بیمار و فروغ قلوب پارسایان و پرهیزگاران است، سخنی ارجمندتر از گفتار علمای عاملین و عرفای متألهین و شرح حال ایشان نیست که ارواح را اسباب تزکیه از کنورت‌های عالم ماده می‌گردد و سالکان و پویندگان طریق معرفت را مایه تشویق و تثبیت خواهد بود و کلاً نقص علیک من اتیانہ الرسل ما نثبت به فؤادک، لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب. و بزرگان گفته اند: گفتار اولیاء خدا، تاز بانه اهل سلوک است.

نشان از بی نشان‌ها عنوان کتابی است پیرامون زندگی و شیوه عرفانی حسنعلی نخودکی اصفهانی (قدس سره) که از بزرگترین عرفای معاصر شیعه بود این اثر نوشته علی مقدادی اصفهانی فرزند شیخ حسنعلی نخودکی است این کتاب توسط انتشارات جمهوری به طبع رسید و تا سال ۱۳۸۷ شمسی ۳۲ بار تجدید چاپ شده است.





پنجم جمادی الاولى ولادت حضرت زینب (س) (روز پرستار)

پرستاری از منظور اسلام آنچنان ارزشمند است که حضرت خاتم الانبیاء (ص) پرستاران راستین را دوستان پیامبران الهی قلمداد کرده، می فرماید: «من قام علی مریض یوما وليلة بعته الله مع ابراهیم الخلیل فجاز علی الصراط کالبرق الخاطف اللامع؛ کسی که یک شبانه روز از بیماری پرستاری کند، خداوند او را با ابراهیم خلیل (ع) محشور خواهد کرد و او همانند برق خیره کننده و درخشان از صراط عبور می کند». ۱

حضرت زینب (س) یارها به یاری امام سجاد (ع) شتافته و پرستاری و حفظ جان آن حضرت را سر لوحه برنامه هایش قرار داده بود.

امام سجاد (ع) می فرماید: شبی که فردای آن پدرم به شهادت رسید من نشسته بودم و عمه ام زینب (س) نزد من بود و از من به نیکوترین صورت پرستاری می کرد. ۲

درودهای خدا بر تو پرستار
که هستی ناجی و دلسوز بیمار
انامه می دهی راه کسی را
که هست الگوی صبر و عشق و ایثار

پی نوشت

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۴.
۲. ارشاد مفید، ج ۲، ص ۹۲.

۲۲ بهمن

«توجه توجه... این صدای انقلاب ملت ایران است...»
فریاد شادی از تمام خاک ایران برخاسته آخرین سلسله‌ی پادشاهی ایران، سرانجام سقوط کرد.

بهرمن	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
شنبه	۳۰	۲	۹	۱۶	۲۳
یکشنبه		۳	۱۰	۱۷	۲۴
دوشنبه		۴	۱۱	۱۸	۲۵
سه شنبه		۵	۱۲	۱۹	۲۶
چهارشنبه		۶	۱۳	۲۰	۲۷
پنج شنبه		۷	۱۴	۲۱	۲۸
جمعه	۱	۸	۱۵	۲۲	۲۹

انسبیه دهقان

دوازدهم بهمن

گروهی به نام «سازمان کماتدویی مبارزه در راه قانون اساسی» با دفتر خبرگزاری آسوشیتدپرس تماس گرفته و هشدار می دهد که اگر آیت الله خمینی قصد داشته باشد از پاریس به سمت تهران پرواز کند، هواپیمای حامل ایشان را منهدم خواهند کرد. در پی این تهدیدها، امام خمینی (ره) به نزدیکان و همراهان خود فرمودند: «من بیعت خود را از شما برمی دارم، ما به طرف کار بزرگی می رویم، شما هم جانتان را به خطر نیندازید».

ایران در انتظار امام خمینی (ره) غرق سرور است. مردم تهران به شوق ورود امام، خیابان ها را آب و جارو می کنند، خط های سفید وسط خیابان تا کیلومترها تمیز شده و مردم مسیر حرکت امام را پر از گل کرده اند. ساعت نه و بیست و هفت دقیقه صبح، امام وارد خاک ایران شد.





مراسم اربعین حسینی به مدت سه شب مدرسه علمیه

فاطمه الزهرا(س) برگزار گردید

در این مراسم که با حضور حاج آقا عتدلیبی، آقای کارجو، خاتم معصومی و خاتم صادقی برگزار شد، ایشان پیرامون پیاده روی اربعین حسینی، نشانه های مؤمن و سبک زندگی حسینی سخنرانی نموده و در پایان مراسم نوحه سرایی و عزادرای ویژه اربعین با حضور ۲۰۰ نفر از خواهران و طلاب سطح شهرستان داراب به مدت سه شب برگزار گردید.

همزمان با ماه محرم سلسله نشست های ماه محرم در مدرسه

علمیه داراب با حضور ۵۰۰ نفر از عموم بانوان برگزار شد.

۳ شب اول «خاتم سکینه صادقی» معاون فرهنگی به آثار تربیتی امام حسین(ع) پرداخت.

۲ شب بعد «خاتم سکینه میرزایی» استاد تفسیر و مبلغ مدرسه به

ضرورت شناخت امام (ع) پرداخت.

۵ شب آخر «خاتم زهرا معصومی» مدیر مدرسه به روایت گری مصور حادثه عاشورا پرداخت.



نشست اخلاقی با موضوع اخلاق در خانواده ویژه طلاب متأهل در مدرسه علمیه خواهران فاطمه الزهرا(س) با حضور

«حجه الاسلام والمسلمین قدرت اله سعیدی» و با حضور طلاب متأهل به همراه همسرانشان برگزار شد.



محافظت از مرزهای اعتقادی و وظیفه طلاب و عالمان دینی

مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) با هدف آشنایی طلاب با (فرقه ضاله تصوف) با حضور ۱۲۰ نفر از طلاب پایگاه صدیقه کبری (س) ۵ حلقه صالحین با این موضوع برگزار کرد.



به مناسبت هفته بسیج، نشست سیاسی (جریان انحرافی شیرازی ها) با حضور آقای ایوذر عباسی، مسئول بسیج طلاب پایگاه صدیقه کبری (س) و طلاب، استادان و مسئولان مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) برگزار شد.



برگزاری محفل شبی با شهدا و شبی با قرآن با حضور مادر محترم شهید عزیززاده و خواهر محترم شهید اسماعیل پشیرور و ۴۰ نفر از طلاب بسیجی مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س)، در حرم مطهر امامزاده ابوالقاسم (ع) برگزار گردید.



نشست اخلاقی «زی طلبگی» با حضور طلاب و استادان مدرسه برگزار شد

در این نشست «حججه الاسلام علی کارجو» استاد حوزه و دانشگاه اظهار داشت: طلبه باید علاوه بر رعایت واجب و حرام، عرفیات را نیز رعایت کند. کار حرام را نباید هیچ کس انجام دهد، نه طلبه و نه غیر طلبه، اما طلبه چون الگوی مردم است باید زی طلبگی و ظاهر را رعایت کند.



برگزاری اردوی تفریحی - زیارتی مرقد مطهر (دحیه کلبی انصاری) در مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س)



حماسه ۹ دی، روز بصیرت امت و میثاق با ولایت

مسئولین و طلاب مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) در حماسه ۹ دی که روز بصیرت و میثاق با ولایت است، در اجتماع مردم، در حسینیه امام خمینی (ره) حاضر و بار دیگر پابندی خود را با ولایت فقیه اعلام و اثبات کردند.



برگزاری نشست پژوهشی

معاون پژوهش مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) داراب با توجه به گسترده شدن فعالیت های فرقه تصوف در سطح شهرستان در هفته پژوهش اقدام به برگزاری نشست پژوهشی با عنوان شناخت فرقه تصوف و انحرافات آن با حضور حجه الاسلام و المسلمین حاج آقا ساجدی نیاز از اساتید حوزه علمیه نمود.



برگزاری کارگاه پژوهشی

معاون پژوهش مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) داراب با هدف آشنایی بیشتر طلاب با کتابخانه های دیجیتال و سایت های پژوهشی از طلاب توانمند و علاقمند به برگزاری کارگاه معرفی سایت دعوت به عمل آورد. طلاب علاقمند در هفته پژوهش با نظارت معاون پژوهش برای سایر طلاب کارگاه برگزار نمودند.



معاونت پژوهش مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) همزمان با سالروز آغاز امامت امام زمان (عج) بسته های سیر مطالعاتی مهدویت (پیشوای آسمانی) را بین طلاب شرکت کننده در این طرح توزیع نمود.





اعلام نتایج کمپین استانی «با کاروان اربعین»

کمپین استانی با کاروان اربعین به همت معاون پژوهش مدرسه فاطمه الزهرا(س) با هدف آشنایی بیشتر طلاب با سیره امام حسین (ع)، سبک زندگی حسینی، آثار پژوهشی در این زمینه و... در بازه زمانی ۱۵ آبان تا ۵ آذر در رواق کوثرنت برگزار شد.



برگزیدگان این فراخوان عبارتند از:

نام و نام خانوادگی	تعداد پست ها	احسنست های دریافتی
مهری بلاغت	۲۸۲	۱۰۳۳
معصومه شمسی	۱۴۱	۴۸۸
ملیحه خرمی	۱۷۵	۳۶۴
حمیده دلیر	۱۵۰	۳۰۰
عفت کمال	۱۰۸	۲۰۷

نشست هم اندیشی با مسئولان دانشگاه

به مناسبت گرامیداشت ۲۷ آذر ماه روز وحدت حوزه و دانشگاه نشست هم اندیشی با حضور مسئولین دانشگاههای سطح شهرستان در زمینه برنامه های دائمی و مستمر بین دو نهاد حوزه و دانشگاه برگزار گردید .
از جمله برنامه های پیشنهادی برای ایجاد وحدت مستمر و تعامل دو سویه که در این نشست مطرح شد عبارتند از : اعزام مبلغ و مشاوره دینی به دانشگاه ها و خوابگاه دانشجویی ، برگزاری کرسی های آزاد اندیشی ، همایش ها و گفتمان های دینی در موضوعات مبتلا به و...





برگزاری دوره ضمن خدمت نحو عملی ویژه کادر و اساتید با حضور استاد حاج آقا کارجو



هشتمین دوره المپیاد علمی مرحله مدرسه ای که در تاریخ ۱۳ آذر ماه در مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) برگزار شد ۱۹ نفر شرکت داشتند که ۶ نفر به مرحله استانی راه پیدا کردند.

اسامی راه یافتگان به مرحله استانی المپیاد علمی

پایه دوم

محدثه احمدلو

پایه سوم

سهیلا چمران

بتول خلیل پور

پایه چهارم:

طاهره فرهادی

رقیه دهقانی

پایه پنجم

زهرا کلرگر



ای راحت دل، قرار جان ها بر کرد
دمان دل شکسته سی ما، بر کرد
ماندیم در انتظار دیدار، ای داد
دل ها همه تنگ توست، آقا بر کرد...



